

اشاره

کارکرد مالی شرکت و یا فرایند بودجه ریزی آن را نشان دهد

۲- درک ما را از وضعیت‌های پیچیده افزایش می‌دهد. مطالعه و ایجاد نموداری از یک وضعیت پیچیده فهم ما را از آن وضعیت افزایش می‌دهد. برای مثال محیط تصمیم‌گیری‌های مالی بی نهایت پیچیده است (شامل: نوسانات مالیاتی، مقررات دولتی، مؤسسات مالی، نوسانات بازار، رقبا و...) به کمک نمودارها تسلط بر این پیچیدگی‌ها افزون می‌شود.

۳- قدرت مقایسه را میان اقلام مالی مختلف ایجاد می‌کند. نمودارها می‌توانند برای مقایسه داده‌های مالی عددی در زمانهای مختلف بکار روند. به عنوان مثال: یک نمودار مالی می‌تواند ارقام فروش، سود قبل و بعد از مالیات شرکت در شعبه‌های مختلف را بصورت مقایسه‌ای نشان دهد.

۴- نمودارها مجموعه نگری را در افراد افزایش می‌دهند. نمودارها ما را در تشخیص و استفاده از الگوها و روشهای مختلف راهنمایی و یاری می‌کنند.

۵- ارائه گزارش‌های مالی را تسهیل و افزایش می‌دهند. نمودارها ابزارهای قدرتمندی برای ارائه گزارشهای مالی هستند. آنها به غیر از اینکه در تنظیم و ارائه گزارشهای مالی ما را مدد می‌کنند گزارشهای مالی را نیز در یک مسیر منطقی قرار می‌دهند.

ویژگی‌های مدل‌های قیاسی

مدل‌های قیاسی دارای ویژگیهای زیر می‌باشند:

۱- عینی بودن. مدل‌های قیاسی بصورت روشن و خلاصه پدیده‌های مالی را نشان می‌دهند.

۲- مفروضات مدل. مدل‌های قیاسی برای ساده سازی و روشننگری واقعیات بکار می‌روند. در این مسیر آنها از مجموعه مفروضات مجرد استفاده می‌کنند. مفروضات باید ساده و جامع باشند. لازمه یک مدل مناسب و کاربردی سادگی آن است. جامعیت مدل برای ارائه روشن و وضعیت‌های واقعی لازم است. مسدلساز برای داشتن مدلی کاربردی باید توازن بین سادگی و

مدل^۱ واقعتها و وضعیت‌های دنیای واقعی را به شکل ساده نشان می‌دهد و ما را در فهم موضوعات مختلف کمک می‌کند. مدلها را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱- مدل‌های شش‌ماتیک^۲: مدل‌های شش‌ماتیک شکل فیزیکی همانند پدیده‌ها و چیزهای واقعی دارند. ماکت هواپیما، ساختمان و یا یک شهر مثالی از مدل‌های شش‌ماتیک هستند.

۲- مدل‌های قیاسی^۳: مدل‌های قیاسی بصورت فیزیکی پدیده‌ها و یا وضعیت‌های واقعی را نمایش می‌دهند اما همانند آنها نمی‌باشند برای مثال، نقشه‌ها، نمودار، نمایس روابط بین تصمیمات مالی و اهداف یک سازمان و نمودار سودآوری نمونه‌هایی از مدل‌های قیاسی می‌باشند.

۳- مدل‌های ریاضی: مدل‌های ریاضی مجموعه‌ای از علائم و روابط ریاضی می‌باشند که وضعیت‌های واقعی را نشان می‌دهند. برای مثال: تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر و بهینه سازی استفاده از منابع مالی به عنوان مدل‌های ریاضی شناخته می‌شوند.

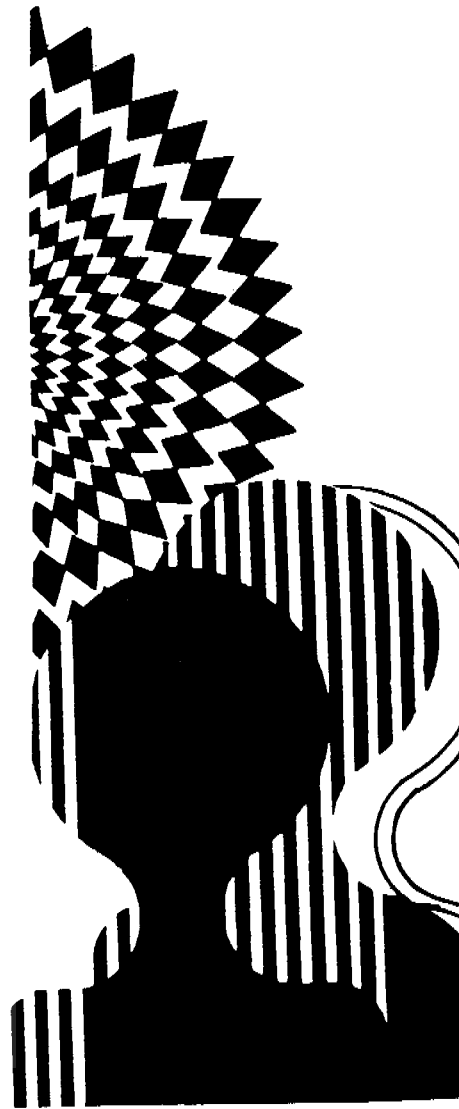
در مدیریت مالی، مدل‌های قیاسی و ریاضی کاربرد بیشتری را دارند. در پی این دو مدل از نظر گرامینان خواهد گذشت:

مدل‌های قیاسی و مدیریت مالی

مدل‌های قیاسی به شکل نمودارها به صورت زیر در مدیریت مالی کاربرد دارند:

۱- ارقام وسیعی از اطلاعات را خلاصه می‌کنند. در بسیاری از موارد یک نمودار می‌تواند برای تشریح داده‌های عددی زیادی از یک جدول بزرگ به کار رود. به عنوان مثال: یک نمودار خطی می‌تواند تغییرات روزانه افزایش قیمت سهام در محدود بیش از ۲ سال را نشان دهد و یا یک نمودار ستونی می‌تواند افزایش قیمت سهام ۱۰۰ شرکت را نشان دهد و غیره و...

نمودارها می‌توانند تصویر روشن، شفاف و مفصلی از شرکت را نشان دهند. به عنوان مثال: یک نمودار می‌تواند



اهمیت و نقش مدل‌ها در تصمیمات مدیریت مالی^۱

ترجمه: دکتر حسن گبوریان

بوسیله کامپیوتر حل نمود. امروزه بسیاری از نرم افزارهای کامپیوتری به عنوان ابزاری برای حل مدل‌های ریاضی طراحی شده‌اند (برای مثال نرم‌افزار برنامه‌ریزی خطی).

۵- مدل‌های ریاضی درک کاربر را در تصمیم‌گیری افزایش می‌دهند. مدل‌های ریاضی توانایی کاربر را در شناخت وضعیت‌های مختلف برای تصمیم‌گیری افزایش می‌دهند (برای مثال؛ در ارزیابی یک پروژه سرمایه‌گذاری از مدل ارزش فعلی خالص استفاده می‌کند) و او را در شناخت نتایج ممکن از تصمیم آگاه می‌سازد (برای مثال؛ قبول پروژه سرمایه‌گذاری زیرا ارزش فعلی خالص آن مثبت است). افزایش فهم کاربرد در تصمیم‌گیری می‌تواند وی را در انتخاب بهترین راه‌های یاری نماید

۶- مدل‌های ریاضی دارای مفروضات و روابط معتبر و قابل اعتمادی می‌باشند.

۷- مدل‌های ریاضی به کمک نرم افزارهای کامپیوتری ما را در ارزیابی راهکارهای گوناگون کمک می‌کنند.

بسیاری از روشهای تئوری مدیریت مالی شامل موارد ذیل می‌باشد

تصمیمات سرمایه‌گذاری تجاری و شخصی: - ارزش آینده جریانهای وجوه

- ارزش فعلی جریانهای وجوه

تصمیمات سرمایه‌گذاری تجاری تحت شرایط اطمینان:

- سودهای حسابداری

- زمان بازگشت (سرمایه)

- بازگشت (سرمایه) تنزیل شده

- نرخ حسابداری بازگشت سرمایه

- ارزش فعلی خالص

- شاخص سودآوری

- نرخ داخلی بازگشت (سرمایه)

تصمیمات سرمایه‌گذاری تجاری تحت شرایط ریسک:

- سهمیه‌بندی سرمایه

- روش توزیع احتمال

- توزیع‌های احتمال

- توزیع نرمال

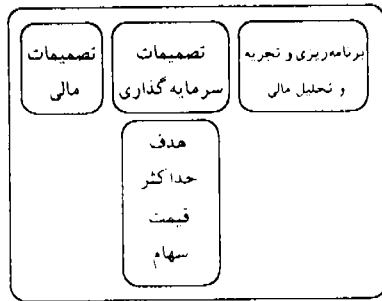
- تجزیه و تحلیل شبیه سازی

- تجزیه و تحلیل حساسیت

- درخت تصمیم‌گیری

- روش برابری معین

اجزاء مدل بصورت زیر می‌باشد: (ویژگی سوم)



نهایتاً روابط بین اجزاء مدل (ویژگی چهارم)، همانطور است که در شکل (شماره ۱) قابل مشاهده است.

مدل‌های ریاضی و مدیریت مالی

مدل‌های ریاضی در مدیریت مالی به دلایل زیر مورد استفاده قرار می‌گیرند:

۱- مدل‌های ریاضی روشن و واضح هستند. حل از طریق مدل‌های ریاضی شامل: مفروضات مدل، اجزایی که برای تجزیه و تحلیل مسائل اساسی هستند (برای مثال اجزاء اساسی یک مدل ارزش فعلی خالص که برای ارزیابی پروژه مورد استفاده واقع می‌شود، عبارتند: عمر مفید سرمایه، سرمایه اولیه، جریان گردش وجوه و نرخ تنزیل) و روابط بین این اجزاء (برای مثال فرمول ارزش فعلی خالص) می‌باشند. ایجاد و مطالعه مدل ریاضی ما را در فهم مسأله و شناخت راه حل آن یاری می‌دهد.

۲- مدل‌های ریاضی استاندارد هستند. بطور مثال؛ تغییرات نرخ بازگشت سرمایه را می‌توان بوسیله انحراف استاندارد محاسبه کرد و یا روابط بین متغیرهای مختلف را می‌توان بوسیله بکارگیری روش تجزیه و تحلیل رگرسیون بدست آورد.

۳- مدل‌های ریاضی نتایج کمی و قابل لمس ایجاد می‌کنند. بسیاری از مسائل مدیریت مالی نیازمند نتایج کمی می‌باشند (برای مثال؛ ارزیابی پروژه سرمایه‌ای، ارزش گذاری سهام و...) در بسیاری از موارد مقایسه نتایج کمی می‌تواند موجب صحت و سهولت گردد.

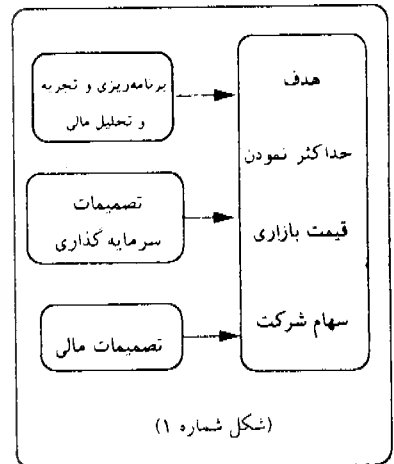
۴- بسیاری از مدل‌های ریاضی را می‌توان

جامعیت آن را رعایت کند. ۳- اجزاء مدل، اجزاء یک نمودار معمولاً مجموعه‌ای از نشانه‌ها و علائم هندسی بصورت نمادین می‌باشد. (برای مثال: دایره‌ها، مربعها، خطوط، فلش‌ها و...) هر علامت تفکر ما را درباره یک رویداد نشان می‌دهد.

برای مثال؛ می‌توان برای ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌ای که شامل ارزش فعلی خالص (NPV)^۷، شاخص سودآوری (PI)^۸ و نرخ بازده داخلی (IRR)^۹ می‌باشند با نشان دادن NPV، PI و IRR و استقرار آنها در داخل علائم هندسی یک مدل در این رابطه ایجاد کرد.

۴- روابط بین اجزاء مدل، ترکیب یک مدل قیاسی شامل تعریف و تشریح روابط بین اجزاء آن است. در نمودارها معمولاً روابط بین اجزاء آن بوسیله پیکانهایی که رسم می‌شود، نشان داده می‌شود.

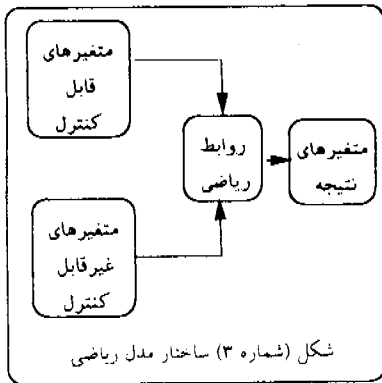
شکل (شماره ۱) نمونه‌ای از یک مدل قیاسی را نشان می‌دهد.



(شکل شماره ۱)

همانطور که در شکل شماره (۱) مشاهده می‌شود مدل بصورت عینی وظایف مدیریت مالی را برای رسیدن به هدف شرکت نشان می‌دهد. (ویژگی اول) مفروضات مدل عبارتند: ۱- وظایف مدیریت مالی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد.

۲- هدف شرکت حداکثرسازی ثروت سهامداران می‌باشد ۳- وظایف مدیریت مالی باید در راستای حداکثرسازی ثروت سهامداران حرکت نماید. (ویژگی دوم)



۳- جمع آوری داده‌های مناسب. مدلها نیازمند داده‌های مناسب بر اساس متغیرهاشان می‌باشند. به عنوان مثال: محاسبه ارزش فعلی خالص یک پروژه سرمایه‌گذاری نیازمند داده‌هایی براساس عمر پروژه، جریانهای وجوه و نرخ تنزیل می‌باشد.

۴- توسعه راه حل برای مسأله. بکارگیری داده‌های جمع آوری شده در قدم‌های قبلی به همراه روابط مدل ریاضی برای دستیابی به راه حل می‌باشد.

۵- آزمایش راه حل. آزمایش منطق قدمهای بکارگرفته شده برای رسیدن به راه حل، طوریکه اطمینان از صحت و اعتبار روابط ریاضی مدل بدست آید.

۶- تجزیه و تحلیل نتایج ضمنی و صریح راه حل، تعیین ومورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مدلسازی در تصمیمات مالی

روش مدلسازی در فرایند تصمیمات (مالی) به شرح زیر می‌باشد:

۱- تعریف مسأله و تعیین اهداف تصمیم. باید تعریف روشن و خلاصه‌ای از مسأله و اهداف تصمیم صورت گیرد. برای مثال: مشکل مالی شرکت برای قبول تعدادی پروژه سرمایه‌گذاری سودآور می‌تواند، حداکثرسازی جمع ارزش فعلی خالص تمام پروژه‌های مورد ملاحظه، تعریف شود.

۲- تعریف راهکارهای مختلف تصمیم که در دسترس هستند. برای مثال: شرکت می‌تواند سه پیشنهاد سرمایه‌گذاری را بوسیله روش ارزش فعلی خالص مورد ارزیابی قرار دهد.

مقدار آن می‌تواند مختلف و تغییرپذیر باشد. متغیرها بصورت: متغیرهای قابل کنترل،^{۱۱} متغیرهای غیر قابل کنترل^{۱۱} (یا محیطی)، متغیرهای واسطه^{۱۲} و متغیرهای نتیجه^{۱۳} تقسیم می‌شوند.

متغیرهای قابل کنترل عواملی هستند که بر نتیجه مدل مالی مؤثرند و بوسیله طراح مدل مالی تعیین می‌شوند. برای مثال: قیمت فروش محصول جدید شرکت می‌تواند یک متغیر قابل کنترل باشد. همچنین متغیرهای غیر قابل کنترل عواملی هستند که بر نتیجه وضعیت مالی که فراتر از کنترل ایجادکننده مدل می‌باشد، مؤثرند. برای مثال: مقررات مالیاتی، نرخهای بهره و تعداد واحدهای محصول شرکت نمونه‌هایی از متغیرهای غیر قابل کنترل در مدیریت مالی محسوب می‌شوند. متغیر نتیجه، متغیری است که برای ارزیابی راه‌حلهای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برای مثال: ارزش فعلی خالص پروژه سرمایه‌گذاری متغیر نتیجه است. متغیرهای واسطه، متغیرهایی هستند که متغیرهای قابل کنترل، غیر قابل کنترل و نتیجه را به هم وصل می‌نمایند. برای مثال: مدل محاسبه دارائیهای شرکت در یک نقطه زمانی مشخص بصورت زیر مفروض است:

۱- دارائیهای ثابت خالص^{۱۴} = دارائیهای ثابت^{۱۵} - استهلاک^{۱۶}
 ۲- دارائیهای جاری^{۱۷} = موجودی کالا^{۱۸} + بدهکاران^{۱۹} + صندوق^{۲۰}
 ۳- کسب دارائیهای^{۲۱} = دارائیهای ثابت خالص + دارائیهای جاری

در این مثال دارائیهای ثابت خالص و دارائیهای جاری متغیرهای واسطه هستند.

بالاخره پارامترها کمیت‌های قابل اندازه‌گیری لاینفک مدل می‌باشند. به عنوان مثال: نسبت‌های مالی که برگرفته از ترازنامه شرکت هستند، پارامترهای مدل ترازنامه می‌باشند.

پ - روابط ریاضی بسین متغیرها، مدل‌های مالی مرکب از تعریف روابط مالی بین متغیرهای آن می‌باشد. در بیشتر موارد بصورت معادله و نامعادله بیان می‌شوند. شکل (شماره ۳) ساختار مدل ریاضی را نشان می‌دهد.

- روش نرخ تنزیل شده ریسک
 برنامه‌ریزی و تجزیه و تحلیل مالی:
 - منابع و کاربردهای وجوه
 - صورت جریان وجوه
 - تغییرات سرمایه در گردش خالص
 - نسبت‌های مالی سرمایه در گردش
 - خط مشی‌های سرمایه در گردش
 سس‌نچش هزینه سرمایه و تصمیم‌گیری درباره ترکیب بدهی‌های بلندمدت و وجوه سهامداران:

- هزینه سهام عادی
 - هزینه سهام ممتاز
 - هزینه اوراق فرضه
 - هزینه میانگین وزنی سرمایه
 - هزینه نهایی سرمایه
 - روش درآمد خالص
 - روش درآمد در گردش خالص
 - روش سنتی
 - روش «میلر و مدیگلیانی»

مدلسازی ریاضی و مدیریت مالی

روش مدلسازی ریاضی برای حل مسائل مالی به شرح زیر می‌باشد:

۱- تعریف مسأله. ابتدا باید تعریف روشن و مختصری از مسأله ارائه شود. به عنوان مثال: تعریف مسأله در مدیریت مالی می‌تواند: تخمین فروش آینده و یا محاسبه تغییرات سرمایه در چند سال مشخص باشد.
 ۲- انتخاب و شکل‌بندی یک مدل ریاضی، که شامل مراحل زیر است:

الف - مفروضات و محدودیت‌های مدل. مدل‌های ریاضی برای ساده سازی وضعیت‌های واقعی مفروضاتی را ایجاد می‌نمایند. مفروضات باید ساده و جامع باشند. در ساخت مدل‌های ریاضی تعادل بین سادگی و جامعیت برای رسیدن به اهداف مدیریت مالی باید رعایت شود.

محدودیت‌های مدل، تحدیدهایی هستند که از محیط حادث می‌شوند و در مورد آنها کمتر کاری می‌توان انجام داد. به عنوان مثال: به علت محدودیت‌های عارضه از سوی محیط ممکن است شرکت مجبور باشد فقط سه طرح جدید مالی را ارزیابی نماید.

ب- متغیرها و پارامترهای مدل. متغیر، کمیتی قابل اندازه‌گیری است که

نتیجه (ارزش فعلی ثروت سهامداران عادی) می‌باشد. معیاری برای ارزیابی مورد قبول است که طرحی را که بالاترین ارزش در ثروت سهامداران عادی را تأمین می‌نماید، انتخاب نماید.

۴- جمع‌آوری اطلاعات مناسب داده‌های کمی به شرح زیر می‌باشد:

شرح	طرح الف	طرح ب	طرح پ
تعداد سهام عادی	۲۶۵۹	۲۶۵۹	۲۶۵۹
قیمت جاری سهام عادی	۱۴۸	۱۵۴	۱۵۱
ارزش جاری ثروت	۳۹۳۵۲۲	۴۰۹۳۸۶	۴۰۱۰۰۹

شکل (شماره ۵) محاسبه ثروت سهامداران عادی برای هر طرح

۵- ارزیابی راهکارهای مختلف و آزمایش صحت ارزیابی. (شکل شماره ۵) مشاهده شود.

۶- انتخاب و بکارگیری راهکارهای مناسب. مقایسه بین طرح‌های مختلف نشان می‌دهد طرح ب از بقیه مناسب‌تر است.

۷- تجزیه و تحلیل انتخاب و یا انتخاب‌ها. تجزیه و تحلیل شامل نتایجی است که از قبول طرح ب حادث می‌شود (برای مثال تغییراتی که در ساختار سرمایه در آینده ایجاد می‌کند و...)

مثال فرآیند تصمیم‌گیری در مدیریت مالی

فرض کنید شرکتی سه طرح مالی با سطوح ریسک مشابه برای افزایش ثروت سهامداران عادی در اختیار دارد:

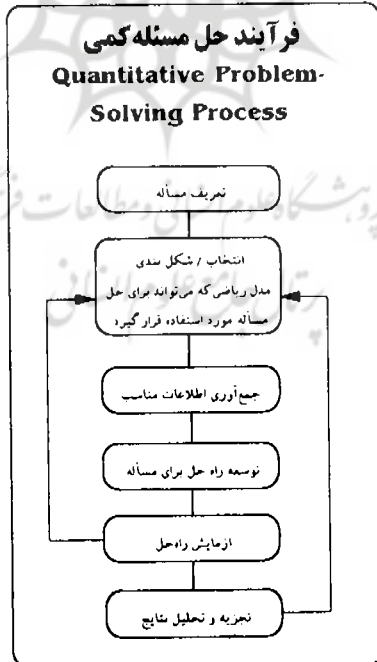
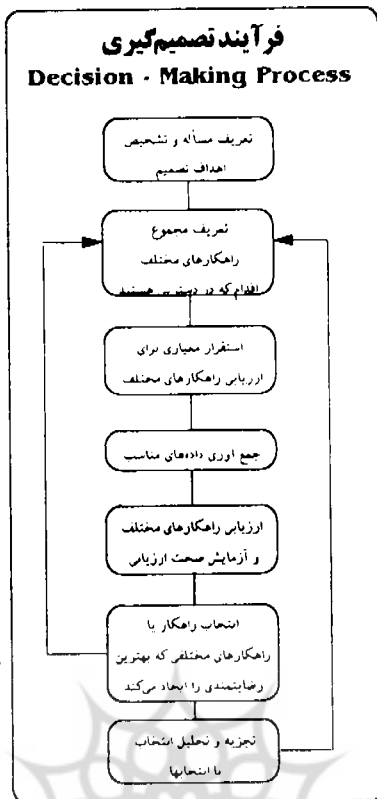
طرح الف- ادامه عملیات جاری شرکت بدون سرمایه‌گذاری جدید.

طرح ب - اقدام به پروژه سرمایه‌گذاری و طرح مالی جدید.

طرح پ - اقدام به پروژه سرمایه‌گذاری جدید.

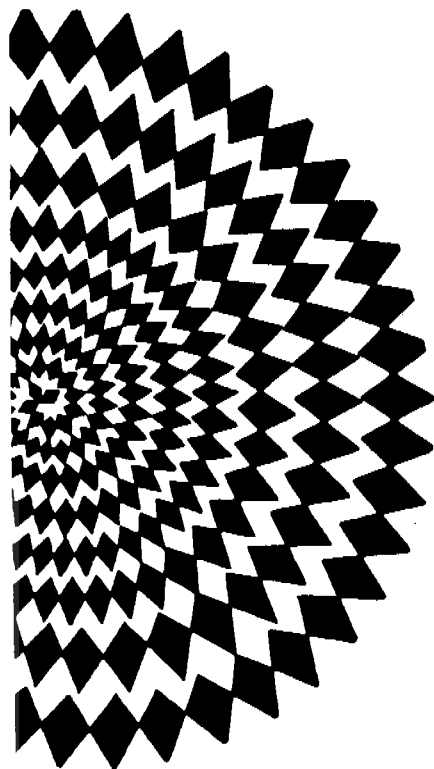
از هر طرح مالی انتظار می‌رود سود شرکت و قیمت سهام عادی را افزایش دهد. نهایتاً هر طرح ثروت صاحبان سهام عادی را افزایش می‌دهد.

فرض بالا را در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت مالی بررسی می‌کنیم:



شکل (شماره چهار) فرایندهای حل مسئله کمی و تصمیم‌گیری

مدل یک متغیر قابل کنترل (تعداد سهام عادی)، یک متغیر غیر قابل کنترل (قیمت جاری سهام عادی) و یک متغیر



۳- استقرار معیاری برای ارزیابی راهکارهای مختلف. معیار یک روش منطقی است که می‌تواند ما را در انتخاب راهکار مناسب کمک نماید. برای مثال؛ شرکت می‌تواند سه پیشنهاد سرمایه‌گذاری را بوسیله روش ارزش فعلی خالص خود مورد ارزیابی قرار دهد.

۴- جمع‌آوری داده‌های مناسب. داده‌ها می‌توانند کمی (برای مثال؛ جریانهای وجوه) و یا کیفی (برای مثال؛ نتایج بدست آمده از مصاحبه‌هایی که با کارکنان شرکت شده است).

۵- ارزیابی راهکارهای مختلف و آزمایش صحت ارزیابی.

۶- انتخاب و بکارگیری راهکار و یا راهکارهای مناسب.

۷- تجزیه و تحلیل انتخاب و یا انتخاب‌ها.

شکل (شماره ۴) فرآیند حل مسائل کمی و تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد.

اشاره

مفاهیمی چون توسعه و یا توسعه‌نیافتگی مباحثی بسیار جدی است که فاصله بین کشورها و مناطق مختلف جهان را مشخص می‌سازد. این مفاهیم در چارچوب توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی چنان پر دامنه و وسیع است که پرداختن به تمامی آنها نیازمند بررسی و مذاقه‌ای فراوان است.

بدین ترتیب مطرح شدن مباحث مربوط به توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی و گسترش دامنه آن باعث شده است تا تعداد بسیاری از اقتصاددانان به حوصل محور این مفاهیم کشیده شوند!

پهرووی

اقتصاددانانی که در مباحث توسعه اقتصادی شرکت جسته‌اند، به دو گروه قابل تقسیم هستند: گروه اول عبارتند از: اقتصاددانان لیبرال نظیر کلود لوی، کونین کلارک و... گروه دوم شامل اقتصاددانان سوسیالیست و سوسیالیست‌های پرورشیافته در غرب که از آن جمله می‌توان موریس داب - پل باران - پل سونیزی - هاری مک‌داف و گورنال میردال را نام برد. می‌توان گفت تمام افرادی که به نحوی گوشه‌ای از بار سنگین مباحث توسعه‌نیافتگی و

توسعه‌نیافتگی را بر دوش کشیده‌اند، در تلاش بوده‌اند تا به سه سؤال مطرح در این چارچوب پاسخ گویند:

۱. توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌نیافتگی چیست؟

۲. علت توسعه‌نیافتگی یا توسعه‌نیافتگی چیست؟

۳. راه دستیابی به توسعه اقتصادی یا راه فرار و رهایی از شرایط عقب‌ماندگی چیست؟

مفهوم توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی

توسعه: توسعه مفهومی چندبعدی دارد. حتی جامعه‌شناسان طرفدار نظریه‌های کلاسیک که بیشتر نگاهی

این فرآیند جهت رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب است. با این ویژگیها می‌توان گفت توسعه عبارت است از تحول نهادها و ساختارهای جامعه اعم از مادی و غیرمادی به شیوه‌ای که توان و گنجایش بالقوه جامعه به صورت بالفعل درآمده و استعدادها سیاسی و فرهنگی آن نیز از هر جهت بارور و شکوفا شود.

با توجه به این تعریف می‌توان دریافت که هر عاملی که به نوعی در برابر تحولات نهادها و ساختارهای جامعه مقاومت می‌کند، می‌تواند سبب توسعه‌نیافتگی آن جامعه باشد. این عوامل چسبنان متعدد و پیچیده‌اند که گریز از آنها به سادگی ممکن نیست، به همین دلیل راه‌حلهایی که در این زمینه ارائه شده است نیز به همین نسبت متنوع است.

علل و عوامل

توسعه‌نیافتگی

۱. عوامل جغرافیایی و طبیعی
۲. دوگانگی اقتصادی
۳. تسلسلهای باطل
۴. جسمیت و توسعه‌نیافتگی

علائم عقب‌ماندگی یا

توسعه‌نیافتگی

شاید به دلیل نواقص کاربرد ضوابط کمی در تبیین توسعه‌نیافتگی و یا

شاید به دلیل جستجوی راهی تازه عده‌ای از اقتصاددانان کوشش کرده‌اند تا علائم و مشخصه‌های عقب‌ماندگی را به جهانیان عرضه نمایند از این شمار به نظرات کلود لوی اقتصاددان فرانسوی و جرالدمیر از استادان دانشگاه استانفورد می‌توان اشاره کرد.

اقتصادی به فرآیند توسعه داشته‌اند و عوامل مادی و غیرمادی را در تحول نهادها و ساختارهای اجتماعی نام می‌برند، هم‌اکنون توسعه را فرآیندی برمی‌شمرند که در بطن ساخت اجتماعی صورت می‌گیرد و بر ساختها اثر می‌گذارد و خود نیز از آن متأثر می‌شود بدین گونه



توسعه‌نیافتگی و توسعه‌نیافتگی

نگاهی دوباره به نقش بخش تعاونی

در توسعه کشور

غلامعباس سوری - مراد خبشوند

وجود ندارد.

۱۷. رشد جمعیت آهسته‌تر است.
۱۸. شهروندان جوامع صنعتی نسبت به معیارهای زندگی موجود در خارج حسادت چندانی ندارند.

مسئله تشخیص جوامع و مناطق مختلف از لحاظ توسعه‌یافتگی و یا عقب‌ماندگی به طور وسیعی نسبی می‌باشد و نمی‌توان جوامع را در مقایسه با جوامع دیگر توسعه‌یافته و یا توسعه‌نیافته عنوان کرد. به طور مثال قطر و یا کویت با توجه به درآمد سرانه بالایی که دارند باید در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرند ولی آیا واقعاً این گونه است؟

پل باران استاد سابق دانشگاه استانفورد کسه به سال ۱۹۶۴ در گذشت از اقتصاددانان سوسیالیست است که با اشاره به موانع توسعه و خصیصه‌های ممالک عقب‌مانده به توزیع بسیار نابرابر کل درآمد یا ثروت در این جوامع، کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و فقدان وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری، وجود نیروی انسانی بیکار، غیرشاغل یا شاغل غیرموثر و سائین بودن سطح زندگی و تجارت خارجی تک‌محصولی اشاره می‌کند.

با این مشخصات می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه علائم برشمرده شده بهترین مشخصه‌هایی هستند که عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی، توسعه‌یافتگی و یا درجه توسعه را تبیین کرده و شناخت لازم را در این زمینه به دست می‌دهد.

هانس سینگر اقتصاددان سازمان ملل متحد می‌گوید کشور عقب‌مانده مانند یک زرافه است زیرا توصیف آن بسیار دشوار است اما هر وقت که یکی از آنها را ببینید آن را خواهید شناخت.

تعاون و توسعه

براساس احکام مقرر در قانون اساسی قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در نیمه اول سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ویژگیها و امتیازات این قانون موجب شده است تا تاریخ تصویب آن به عنوان مبدأ تاریخی آخرین دوره وضع و تصویب قوانین تعاونی در ایران قرار داده شود. به موجب این قانون برای نخستین بار در

روماتو پرودی رئیس کمیسیون اروپا در گردهمایی تعاون در روز ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ در بروکسل چنین بیان کرده است: استعداد تعاونیها برای یکپارچه نمودن رویکرد کارآفرینی با ارزشها و مسؤولیت‌پذیری بخش دولتی و جامعه مدنی تعاونیها را به یکی از ضروریات الگوی اقتصادی و اجتماعی اروپا تبدیل نموده است. شایان ذکر است در اروپا ۱۸۰۰۰۰ تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۳/۲ میلیون شغل ایجاد شده در این بخش وجود دارد.

پرداخت کمک و اعانه جهت برقراری تأمین اجتماعی و حمایت از محصولات کشاورزی.

۹. صادرات این جوامع شامل محصولات بسیاری است که برای آنها بازارهای داخلی هم وجود دارد.

۱۰. واردات آنها شامل انبوهی از تولیدات اولیه است برای محصولات وارداتی کثرت تقاضا نسبت به درآمد چندین زیاد نیست.

۱۱. جریانهای سرمایه‌ای بلندمدت و بازپرداخت سود آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

۱۲. توزیع درآمد حدوداً برابر است و معدود افرادی یافت می‌شوند که در سطح حداقل معیشت زندگی می‌کنند.

۱۳. مخارج مصرفی خانوارها برای تغذیه چندان حائز اهمیت نیست چون تولید انبوه و استاندارد شده کاملاً میسر است.

۱۴. پساندازها - عرضه پساندازها از طریق بازار سرمایه قابل تحرک است.

۱۵. سرمایه‌گذارانها در سطح بسیار بالاست.

۱۶. در بخش تجارت به دلیل کششهای درآمدی هیچ گرايشی خواه از نوع حاد یا مزمن به سوی ایجاد کسری تراز پرداختها

کلود لوی در کتاب خود موسوم به جهان سوم برای تشخیص ممالک توسعه‌نیافته و عقب‌مانده علائمی را برشمرده است که به ترتیب می‌توان از این علائم به صورت زیر یاد کرد:

۱. کثرت مرگ و میر به ویژه بین نوزادان و کودکان

۲. نرخ بالای باروری و زاد و ولد

۳. بدی وضعیت بهداشت و درمان

۴. مصرف مواد غذایی در سطح پائین یا بدی وضع تغذیه

۵. کثرت تعداد بیسوادان جامعه

۶. پائین بودن مصرف انرژی روزانه

۷. کثرت تعداد بزرگسالان

۸. زیردست بودن زنان در جامعه به ویژه از نظر اجتماعی

۹. ضعف طبقه متوسط

۱۰. به کارگیری کودکان در امر تولید به عنوان کارگر

۱۱. کثرت گروههای اجتماعی به ویژه از این جهت که اجزای اجتماع فوق‌العاده زیاد است.

ویژگیهای یک اقتصاد توسعه‌یافته از دیدگاه می‌بر

۱. نیروی کار باسواد و کارداران است و اغلب کارگران دارای شغل هستند.

۲. اغلب زمینهای موجود به زیر کشت رفته‌اند.

۳. تمامی بخشهای اقتصادی جامعه به صورتی عمیق سرمایه را مورد استفاده قرار می‌دهند و به شکل سرمایه‌داری اداره می‌شوند.

۴. بخش کشاورزی در جوامع توسعه‌یافته کاملاً تجاری است و در قبال نفعات قیمتها یا پیشرفتهای تکنیکی انعطاف‌پذیر هستند.

۵. بخش معدن دارای اندازه‌های محدود و معمولاً در دست شرکتهای محلی است.

۶. در بخش صنعت تنوع بسیار وجود دارد و صناعی که با فلزات به تولید ماشین‌آلات و وسایل نقلیه سنگین می‌پردازند کاملاً مطرح هستند.

۷. درآمدهای دولتی بستگی شدیدی به مالیاتهای مستقیم دارد.

۸. مخارج دولتی عبارت است از

طول تاریخ پیدایش و توسعه و ترویج تعاونی‌های ایران به منظور کمک به تحقق اهداف تعاونی، آموزش، حمایت، پشتیبانی و نظارت بر فعالیت تعاونی‌های کشور وزارتخانه مستقلی به نام وزارت تعاون از ابتدای سال ۱۳۷۱ تشکیل و شروع به فعالیت نمود. از زمانی که وزارت تعاون با انحلال سازمانهای متعدد تعاونی و انتقال پرسنل، اموال و تعهدات آنها به این وزارتخانه تشکیل گردید. موجبات توسعه و ترویج تعاون به صورتی که هیچگاه در گذشته میسر نشده بود فراهم گردید و توسعه واقعی بخش تعاون در ایران عملاً آغاز گردید. به گونه ای که هم‌اکنون حدود ۶۰۰۰۰ شرکت تعاونی در ایران در زمینه‌های مختلف تولیدی و توزیعی مشغول به فعالیت می‌باشند.

برخی معتقدند تعاون یک ابزار یا اهرم بسیار مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. دکتر سالارزاده عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی می‌گوید: تعاون می‌تواند همگام با سیاستهای دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و بالا بردن شرایط درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و از این راه بار هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد و به تدریج شرایط توسعه فراهم می‌شود. فشرهای گوناگون مردم می‌توانند خود در مسائل اجتماعی و اقتصادی تصمیم‌گیرنده باشند و متناسب با برنامه‌های عمومی جامعه امور مربوط به خود را برعهده گیرند. بدین لحاظ جوامع و کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی برقرار کنند که علاوه بر کارآمد بودن به تحقق عدالت اجتماعی نیز کمک کند و الان برای بخش تعاون مقام خاصی را در نظر می‌گیرند.

نظام تعاونی در سیستم اقتصادی و اجتماعی کشور ما به عنوان شیوه اقتصادی و اجتماعی روش میانه‌ای است که میان نظام سرمایه‌داری غربی و روش دولتی و متمرکز انتخاب می‌شود.

دکتر ابراهیم رزاقی استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران معتقد است در کشورهای صنعتی اقتصاد آنها بنا بر خصوصی‌سازی پیش نمی‌رود. اگر در

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بیانات مورخ ۷۷/۲/۲۱ فرموده‌اند، اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، تعاون است. بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم.

آلمان، آمریکا، سوئد، نروژ، فرانسه، انگلیس، سنگاپور و... تعاون نباشد چرخ اقتصادشان حرکت نمی‌کند. وی همچنین اظهار می‌دارد تعاون به نفع خرده‌پاهاست و روند جهانی شدن به خصوصی‌سازی دولتی صدمه می‌زند اما به تعاونی نمی‌تواند ضربه بزند زیرا انعطاف‌پذیری زیادی دارد.

رومانو پرودی رئیس کمیسیون اروپا در گردهمایی تعاون در روز ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ در بروکسل چنین بیان کرده است: "استعداد تعاونیها برای یکپارچه نمودن رویکرد کارآفرینی با ارزشها و مسئولیت‌پذیری بخش دولتی و جامعه مدنی تعاونیها را به یکی از ضروریات الگوی اقتصادی و اجتماعی اروپا تبدیل نموده است. شایان ذکر است در اروپا ۱۸۰۰۰۰ تعاونی با ۸۰ میلیون نفر عضو و بیش از ۳/۲ میلیون شغل ایجاد شده در این بخش وجود دارد."

دکتر مهدی طالب معتقد است در کشورهای جهان سوم که دارای اقبال آسب‌پذیر و کم‌بضاعت است، درد آنها را غیر از تعاونی چیز دیگری نمی‌تواند چاره کند. اما به شرطی که تعاونی واقعی تشکیل شود نه تعاونی دلالانه و واسطه‌ها، اصولاً امروزه موج سوم کشورهای کمتر توسعه یافته را تعاون می‌دانند.

با توجه به اینکه مشکلات اصلی کشور تولید، ارزش افزوده، اشتغال، تورم، نارسائی ساختارهای اجتماعی، صادرات و توزیع ناعادلانه درآمد است در یک طبقه‌بندی کلی علل و عوامل بروز مشکلات در موضوعات فوق‌الذکر را به دو گروه کلی خارجی و داخلی می‌توان

تقسیم کرد. در عین حال، مسائل و مشکلات ناشی از سیاستها و تحولات اقتصادی و سیاسی جهان بر کشور اقتصاد خارج از موضوع بررسی این مقاله است. لذا علل و عوامل داخلی مشکلات اقتصادی کشور به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

گرچه عوامل تاریخی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی علت معضلات جاری اقتصادی کشور است لیکن وجود این ساختارها و ترکیب فعلی اقتصاد کشور نقش بسیار قابل توجهی در وجود، حضور و ادامه مشکلات اقتصادی دارد. در عین حال، با اینکه در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی برای اقتصاد کشور پیش‌بینی شده است. با این حال سهم بخشهای فوق‌الذکر علی‌رغم گذشت ۲۰ سال از پیش‌بینی مزبور هنوز بسیار نامتناسب است و سهم و نقش اصلی اقتصاد کشور را بخش دولتی با بیش از ۷۰٪ سهم در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. از طرف دیگر بخش خصوصی گرچه از بهره‌وری بیشتری در مقایسه با بخش دولتی برخوردار است، اما میل به کسب سود و مازاد درآمد عملیاتی بیشتر و توزیع آن بین صاحبان سرمایه و فقدان یک نظام مالیاتی و نظارتی جامع و هدفمند، تمرکز بیش از حد ثروت و مواهب توسعه را در نزد گروهی محدود به عنوان یکی از ویژگیهای مهم این بخش مطرح می‌کند.

بدیهی است که تولید بیشتر و با کیفیت بالاتر، ایجاد سود و ارزش افزوده و افزایش بهره‌وری اگرچه لازمه رشد اقتصاد در جهت تحقق توسعه اقتصادی است اما در عین حال عارضه نارسایی در توزیع درآمدها و تضعیف عدالت اجتماعی را می‌تواند به ارمغان بیاورد. زیرا کنترل و نظارت بخش دولتی بر عملکرد و فرایند بخش خصوصی از طریق اجرای قوانین مالیاتی، تأمین اجتماعی، بازرگانی خارجی و... حداقل در کشور ما ضعیف و نا کارآمد است. در نتیجه توسعه بخش خصوصی به تنهایی هدف و آرمان دوم نظام توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را که

شبه رمنحه ۳۱

بسط عدالت اجتماعی است، معمولاً و به گواهی عملکرد سالهای گذشته و برخی جهات دیگر تأمین نمی‌کند.

به دلایل فوق‌الذکر برای مقابله با مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور و ساماندهی اقتصاد در چارچوب اصلاح و بهبود اساسی ساختار اقتصادی کشور همراه با کوچکتر و کارآمدتر شدن بخش دولتی و توسعه هدفمند و با نظارت بخش خصوصی، توسعه بخش تعاونی به عنوان رویکرد جدیدی برای تحقق توسعه اقتصادی همراه با بسط عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. در ارتباط با ضرورت توسعه بخش تعاون در اقتصاد کشور سه مشخصه مهم را به شرح زیر خاطر نشان می‌سازد.

۱) در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون به عنوان دومین بخش اقتصاد کشور تعیین شده است.

۲) رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بیانات مورخ ۷۷/۲/۲۱ فرموده‌اند، اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، تعاون است. بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم. منظورم در یک برنامه ۲۰ ساله نیست، بلکه اگر تلاش و همت کنید در این برنامه سوم که در آینده‌ای نزدیک در انتظارش هستیم واقعاً شما می‌توانید اینگونه برنامه‌ریزی کنید.

۳) در طرح ساماندهی اقتصاد کشور که توسط رئیس‌جمهوری محترم پیشنهاد شده است تقدم عدالت اجتماعی در کنار سیاستها و برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

چنین به نظر می‌رسد که پیشرفت واقعی در امر توسعه تعاونیها و استفاده از این روش به عنوان وسیله مناسبی جهت نیل به اهداف توسعه اقتصادی به گونه‌ای که در قانون اساسی به آن اشاره شده، هنگامی در دسترس خواهد بود که در کنار اقدامات عملی مؤثر، تشکیلات اداری منظمی به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های تعاونی و ارائه خدمات لازم وجود داشته باشد.

مقابل نوسانات بازار حمایت می‌کند. نرخ بهره باید هزینه نقدینگی، هزینه عملیاتی، هزینه اداری، ریسک و اندوخته سرمایه‌شنکلیاتی را تأمین نماید. مدت وام باید با ماهیت تجارت و فعالیت مالی منطبق باشد برای نمونه تاریخ سررسید وام‌های کشاورزی باید پس از برداشت محصول و در مورد سایر فعالیتهای تجاری پس از تکمیل چرخه تولید و بهره‌برداری باشد و بازپرداخت وام باید با جریان نقدینگی منطبق باشد و وام‌های بلندمدت اغلب با نرخهای بهره بالاتری اعطا می‌شوند.

نظارت بر تخلفات مربوط به مصرف وام بخش حساسی از برنامه وام‌های مولد است. خطرات ناشی از تخلفات باید به عنوان یک عامل بالقوه سناسنی شود. این خطرات عبارتند از: طولانی بودن دوران بازپرداخت وامها، کوناهای در احتساب مجموع دیون اعضا، عدم موافقت با پرداخت وام به هنگام ضرورت، کوتاهی در برنامه‌ریزی مجدد در صورت ضرورت، عدم بکارگیری وام در اهداف اصلی، وجود تبعیض و استثناء قابل شدن نسبت به کسی.

یکی از ابزارهای نظارت بر تخلفات ایجاد یک سیستم اطلاعاتی مؤثر است. این سیستم باید حاوی سیاستها و خط‌مشی‌های پرداخت وام رویه‌های وصول باشد که الزامات قانونی و شرایط خاص انسجادیه تعاونیهای اعتباری را منعکس نماید. نظارت موفقیت‌آمیز بر تخلفات بستگی به سیاستهای نظارت بر پرداخت وام و روشهای وصول دارد.

مدیریت منابع انسانی

اقتصاد بازار در حقیقت فرصتی را برای رشد سریعتر تعاونیها فراهم می‌کند. اما این به معنای آن است که آنها باید بعضاً در مواردی انواع تجدید ساختار را تحمل کنند. علاوه بر این تعاونیها به موازات حرکت سریع و انطباق وضعیت خود با اقتصاد جهانی مجبور به پاسخگویی به ابهاماتی درباره صرفه‌جویی ناشی از این مقیاس می‌باشند. بنابراین توسعه تعاونی چه مسیری را برخواهد گزید؟ شاید منجر به ایجاد تعاونیهای کمتر با اندازه بزرگتر شود.

در اقتصاد جهانی شرکتهای متعدد و چندملیتی رقبای شرکتهای تعاونی هستند که هم‌اکنون تقریباً موقعیت قابل اطمینانی از نظر صرفه‌جویی ناشی از مقیاس در بازار ایجاد نموده و خود موقعیت تعاونیها را در همان زمینه تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. جواب به این سؤال که آیا تعاونیها می‌توانند با رقبایشان رقابت نمایند، در رهبری و مدیریت نهفته است. آنچه که تعاونیها برای پیشرفت به آن احتیاج دارند، مدیران مبتکر، دوراندیش و مدیریت حرفه‌ای می‌باشد. بنابراین برای رقابت، ملزم به سرمایه‌گذاری در جهت توسعه منابع انسانی و مهارت در عملکرد و تطبیق وضعیت خود با شرایط روز می‌باشند. علاوه بر این محیط پویا و در حال تغییر بر تعاونیهای اعتباری تأثیرگذار است. عوامل تأثیرگذار را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: اولین گروه که عوامل خارجی هستند شامل:

- دیدگاه ویژه بانک مرکزی در مورد

مؤسسات مالی کوچک

- سرمایه‌گذاری خارجی در روستاها از

طریق سازمانهای غیردولتی

- تصویر ضعیف از تعاونیها

- محدودیتها و نظارت دولتی

و محدودیت منابع است.

دومین گروه که عوامل داخلی هستند

شامل موارد ذیل می‌باشد:

- داشتن دیدگاه اجتماعی بجای دیدگاه

تجاری

- محدودیت سهام

- سیاست قیمت‌گذاری

- سیاست مالی و اداری

به طور خلاصه تنها راه‌حل پیشرفت

تعاونیها توسعه منابع انسانی است و

بهره‌گیری از سیاستهای پیشرفته توسعه

منابع انسانی نیاز به انطباق با محیط پویا

و شرایط جدید دارد و در این زمینه نیاز

مسیرم به فراهم آوردن آموزشهای

حرفه‌ای-تربسرای مدیران و کارکنان

احساس می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

* دبیرکل کفدراسیون اتحادیه‌ها و تعاونیهای اعتبار

آب

مشارکت

سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است" (۱) می‌توان گفت لازمه هر نوع توسعه در جامعه وجود مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی‌توان به توسعه‌ای واقعی فراگیر، همه‌جانبه و پایدار دست یافت.

در همین رابطه در یک تعریف کلی از مشارکت نیز می‌توان آن را چنین تعریف کرد که "مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است." (۲) که این امر در ارتباط با موضوعات مختلف اجتماعی اقتصادی فرهنگی و سیاسی تبدیل به مشارکت اجتماعی اقتصادی فرهنگی و سیاسی می‌شود.

امنیت اجتماعی و اشتغال نیز به نوبه خود می‌توانند تأثیر بسزایی بر روند توسعه داشته باشند. به این شکل که مردم وقتی در جامعه‌ای احساس امنیت داشته باشند راحت‌تر اقدام به مشارکت در امور مختلف خواهند نمود و ثمره این اقدام ضمن ابعاد مختلفی که دارد باعث می‌شود زمینه برای ایجاد اشتغال و فرصت‌های جدید شغلی در جامعه بوجود آید که این خود منجر به توسعه و پیشرفت جامعه در سطوح مختلف می‌شود.

اهمیت تحقیق

امروزه در اکثر جوامع در حال توسعه مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون توسعه و مشارکت از رایج‌ترین مباحثی است که از دیدگاه‌های مختلف و در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. اهمیت این نوع مباحث در جوامع در حال توسعه همچون کشورمان بدین دلیل است که این جوامع بویژه کشورمان روند توسعه همه‌جانبه را بسیار دیرتر از سایر جوامع آغاز نموده است و در واقع کمتر از دودهمه است که مطالعه نظری و عملی پیرامون توسعه و مشارکت‌های مردمی در محافل دانشگاهی و حوزه دولت و حکومت متناسب با شرایط موجود آغاز شده است. بدین ترتیب مطالعه، تحقیق و بررسی موضوع مذکور از مباحث عمده و دارای اهمیت اساسی است زیرا باعث می‌شود تا هرچه بیشتر در شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر پدیده مشارکت و توسعه و همچنین عوامل و موانع مؤثر و موجود در مسیر هریک از آنها مفید واقع گردد.

اهداف و سؤالات تحقیق

درحالت کلی بررسی نظری مشارکت و توسعه و ابعاد مختلف آنها جهت شناخت دقیق هریک و در پی

مهمترین استراتژی توسعه

شهرداری و روستایی

(با تأکید بر اشتغال و امنیت اجتماعی)

محمد رضا گنجی

■ قسمت اول

طرح مسأله

از حدود دهه دوم قرن بیستم، مقوله رشد و توسعه در اکثر جوامع جهان سوم مطرح شد، از آغاز این قرن تاکنون کشوری را نمی‌توان یافت که در اندیشه نیل به توسعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی فرهنگی و... نباشد. این جوامع با توجه به اینکه بنا به دلایل و شرایطی نتوانسته‌اند موفق به طرح و اجرای به موقع برنامه‌های توسعه خود گردند اینک سعی دارند با سرعت بیشتری به این مهم اقدام نموده و همین شتاب گاهی ممکن است آنها را در مسیر حرکت، دچار سردرگمی در زمینه‌های مختلفی از جمله انتخاب استراتژی نماید.

روند توسعه در یک جامعه نیازمند عوامل، عناصر و زمینه‌های متعددی است یا به عبارت دیگر توسعه یک پدیده چندبعدی است و همین امر باعث گردیده تا انجام طرح و برنامه‌های مربوط به توسعه و تسریع روند آن مشروط به وجود برخی از زمینه‌های مادی و غیرمادی در جامعه در سطوح مختلف باشد. لذا یکی از زمینه‌ها و عوامل مؤثر در این مهم وجود مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف در سطح جامعه می‌باشد. بدین ترتیب با توجه به تعریف توسعه که "به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به

آن در حالت خاص، بررسی ارتباط بین این دو مقوله در سایه امنیت اجتماعی و ایجاد اشتغال جهت دستیابی به جامعه‌ای پویا و سالم در دستیابی به پاسخهای منطقی برای سؤالات زیر مناسب می‌باشد:

- آیا مشارکت همه‌جانبه می‌تواند به عنوان مهمترین و ضروری‌ترین استراتژی توسعه مطرح شود؟
- امنیت اجتماعی چه تأثیری بر مشارکت، اشتغال و توسعه دارد؟
- ارتباط بین مفاهیم فوق از چه نوعی است؟

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، روش اسنادی یا کتابخانه‌ای است که پژوهشگر سعی کرده با مطالعه و بهره‌گیری از کتابها، نشریات و تحقیقات انجام شده قبلی در ارتباط با موضوع، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم مجموعه حاضر بنماید.

تعریف مفاهیم

۱- مشارکت

مشارکت را می‌توان عبارت از، "دست در دست هم گذاشتن، متحد و متفق شدن برای انجام یک امر و حمایت از آن، تا تحقق کامل و حتی نظارت و اصلاحات اجتماعی بعد از انجام هر امری" تعریف کرد^(۱) این امر در کلی‌ترین و جزئی‌ترین امسور اجتماعی مردم در یک محله، منطقه، روستا، شهر، استان و کشور قابل اجرا و عملی است. به طوری که از دست به دست هم دادن تعدادی از افراد ساکن در یک محله می‌توان برای تمیزی و نظافت کوچه و خیابان و جمع‌آوری زباله و نیز یک طرح و پروژه بزرگ توسعه در یک منطقه یا کشور بهره گرفت. در صورت فراهم شدن دو شرط اساسی تحت عنوان شرایط بیرونی و درونی، مشارکت مردمی به نحو مطلوب و مؤثری تحقق خواهد یافت. شرایط بیرونی نظیر: در دسترس بودن زمان و عدم فوریت، احساس امنیت و عدم تهدید، تدارک مجاری ارتباطی مشارکت شرایط درونی نظیر: احساس اقتصادی بودن (کمتر بودن هزینه‌ها نسبت به منافع) داشتن قابلیت‌های شخصی از قبیل هوشیاری و واقع‌بینی در امر مشارکت، خودباوری در رابطه با مطلوبیت مشارکت، احساس ارتباط بین مشارکت و الگوهای زندگی شخصی افراد و ارتباط متقابل جهت تبادل ایده‌ها در امر مشارکت و احساس همکاری، در این زمینه می‌باشد.^(۲)

۲- توسعه

با توجه به تعاریف متعددی که در رابطه با توسعه از دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، بسیاری از

صاحب‌نظران معتقد هستند که هیچ جامعه‌ای در حال سکون نیست و همواره انواع دگرگونیها و تغییر و تحولات در زمینه‌های مختلف باشدت و ضعف در آنها در حال شکل‌گیری است که در واقع توسعه حاصل همین تغییر و تحولات در زمینه‌های مختلف در جامعه می‌باشد و به همین دلیل از آن به عنوان پدیده چند بعدی نام می‌برند. یکی از صاحب‌نظران معتقد است که "توسعه چیزی پیش از نوسازی و رشد اقتصادی است. علاوه بر ضرورت بهبود سطح مادی زندگی، توسعه مستلزم توزیع هر چه عادلانه‌تر تولید ملی، یک ساخت اجتماعی باز و فراهم آوردن مجال مشارکت و احترام به ارزشها، سنتها و فرهنگ بومی است."^(۳)

۳- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در مفهوم ساده و روان این است که هر یک از افراد جامعه در اجتماع و محل زندگی خود دارای حس آرامش و آسایش باشند به طوری که بدون هیچ‌گونه نگرانی و یا به عبارتی با اطمینان خاطر مشغول به فعالیت و ادامه روند زندگی باشند. در حالت کلی‌تر و سطحی وسیع‌تر امنیت اجتماعی در بر گیرنده آرامش، سلامت، پویایی، بهزیستی، ثبات و اقتدار جامعه می‌شود.^(۴)

۴- اشتغال

اشتغال یعنی فعالیت در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... که در قبال آن مزدی پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر اشتغال یعنی مشغول بودن به شغل یا کار معینی در یکی از گروه‌های شغلی که در قبال انجام آن دستمزد یا حقوق معینی هم پرداخت می‌شود. در چرخه بهزیستی و رفاه، مشارکت اجتماعی یکی از عوامل مهمی است که در ایجاد زمینه اشتغال مؤثر است. که دسترسی به شغل و درآمدهای حاصل از آن نیز خود اساس و مایه همبستگی، همدلی و همسویی مردم با جامعه و پایداری و تحکیم استقلال و اقتدار ملی است که این مهم تأثیر به‌سزایی در چرخه بهزیستی و رفاه دارد.

ادبیات تحقیق، مشارکت و ابعاد آن

از مشارکت تعاریف بسیاری از جنبه‌ها و دیدگاه‌های مختلف بیان شده که در ذیل به چند تعریف اشاره می‌شود. در تعریفی از مشارکت بیان شده که "مشارکت در سازمانهای اجتماعی یا سیاسی صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر (معمولاً علایق جزئی یا فردی) در نظر گرفته می‌شود. بدین معنی که هدف اصلی دست یابی به فایده‌های اقتصادی یا کسب منزلت بالاتر اجتماعی اقتصادی و یا قدرت

همراه با خلاقیت و توانایی نیروهای مردمی است. از این طریق نیروها، امکانات و منابع جهت مشارکت فعالتر شده و نتایج بیشتری به دست می‌آید. در این نوع مشارکت تمرکز و تأکید بیشتر نیروهای محلی و ناحیه‌ای در درون جامعه در جهت افزایش تواناییها و میزان توسعه می‌باشد. برای مثال در توسعه روستایی یا در برنامه های بخش توسعه بهترین شیوه و نوع مشارکت، مشارکت با مردم محوری است.

۲- مشارکت توأم با تولید محوری

در این نوع مشارکت معمولاً توجه‌ای به نیروهای مشارکت‌کننده در برنامه های توسعه نمی‌شود بلکه صرفاً حاصل و نتایج آنها در جهت تولید بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور کلی می‌توان گفت این نوع مشارکت مشارکت مردمی در روند توسعه را وسیله و ابزاری برای افزایش کمی تولیدات می‌داند.^(۱۲)

به طور کلی مشارکت در ارتباط با موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تبدیل به مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود.

مشارکت اجتماعی: شرکت و سهم شدن مردم در امور اجتماعی مربوط به خود و جامعه خود موضوع مشارکت اجتماعی را مطرح می‌کند که عمده ترین نوع مشارکت است. "مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است."^(۱۳) جهت شکل‌گیری و گسترش مشارکت اجتماعی در گام نخست وجود دو زمینه ضروری است. اول وجود تفکر و روحیه تعاون، همکاری و همیاری و دوم وجود اعتقاد و پذیرش اصل برابری مردم در سطوح مختلف در برابر قانون، در ذهن و اندیشه مردم یک جامعه.^(۱۴)

مشارکت اقتصادی: شرکت مردم در طرحها و پروژه‌های عمرانی مختلف در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی در قالب سرمایه‌گذاری مادی و معنوی نظیر پرداخت بخش کوچکی از هزینه طرحها و یا فعالیت فیزیکی در امور عمرانی و آبادانی روستا و شهر را می‌توان تحت عنوان مشارکت اقتصادی نام نهاد.

مشارکت فرهنگی: شرکت مردم در امور فرهنگی و آموزشی به منظور صیانت از هویت فرهنگی و بهبود یا رشد کمی و کیفی مراکز فرهنگی و آموزشی از قبیل مدرسه‌سازی در روستا و شهر تأسیس مدارس غیرانتفاعی تأسیس و راه‌اندازی مراکزی جهت آموزش دوره‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه های مختلف هنری

(در معنای ابزارگرایانه)^(۱۵) است. که این تعریف نمایانگر این مطلب است که دست‌یابی به این اهداف و منافع فردی زمینه ساز مشارکت می‌باشد.

پیتر اوکلی و دیوید مارسون در تعاریف متعددی از مشارکت بیان داشته‌اند که:

"مشارکت، شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می‌شود در توسعه ملی نقش دارند، می‌باشد."^(۱۶)

"مشارکت به معنی برانگیختن حالت مردم و نتیجتاً به معنی افزایش درک و توان روستایان جهت پاسخ‌گویی به طرحهای توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات است."^(۱۷)

"مشارکت، تلاش سازمان‌یافته‌ای از سوی گروه‌ها و جنبش‌ها است که برای افزایش کنترل بر منابع و مؤسسات نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی مشخص اعلام می‌گردد."^(۱۸)

"مشارکت فرایندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله کسانی که به تعیین و برآورد ساختن نیازهای خود علاقه‌مندند. این کار نه یک سهم شدن انفعالی در فعالیتهای طراحی شده توسط دیگران است و نه صرفاً بهره‌برداری از ثمرات فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بلکه پیش قدم شدن در تصمیم‌گیری راجع به نوع کار چگونگی انجام کار و سپس انجام کار می‌باشد."^(۱۹)

با اندکی تأمل و تعمق در تعاریف مشارکت از دیدگاه اوکلی و مارسون می‌توان تعریف نهایی آنها را به عنوان یک تعریف قابل قبول پذیرفت. زیرا به مشارکت نگاهی همه‌جانبه و گسترده دارد و به آن تنها به عنوان دستیابی به اهداف فردی، فعالیت محدود در چند طرح توسعه یا منطقه (روستایی) و استفاده ابزاری بدون آگاهی قبلی از افراد، نگاه نمی‌کند.

مشارکت بین مردم و جامعه در سطوح و ابعاد مختلف مادی و معنوی به آنها توان بیشتری بخشیده و منجر به شکل‌گیری مواردی از قبیل: "افزایش بهره‌وری در تولید، پرتوان کردن سازمانهای بازرگانی و صنعتی نیرومند کردن نیروی کار فراهم آوردن امکان مالکیت گسترده مردمان و سرانجام پدید آوردن یگانگی وحدت شهروندان" در جامعه می‌شود.^(۲۰)

مشارکت را می‌توان براساس نوع اهداف و زمینه‌ها تحت دو عنوان کلی، مشارکت توأم با مردم محوری و مشارکت توأم با تولید محوری طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار داد.

۱- مشارکت توأم با مردم محوری

در این نوع مشارکت روند توسعه جامعه توأم و

اقتصادی است. علاوه بر ضرورت بهبود سطح مادی زندگی، توسعه مستلزم توزیع هرچه عادلانه‌تر تولید ملی، یک ساخت اجتماعی باز و فراهم آوردن مجال مشارکت و احترام به ارزشها و سنتها و فرهنگ بومی است.^(۱۷)

همچنین برخی دیگر معتقدند که "توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی بسوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است."^(۱۸) طبق این تعاریف، توسعه بایستی همه‌جانبه بوده و علاوه بر افزایش رفاه مادی به مسائل معنوی و فرهنگی جامعه نیز توجه داشته باشد. توسعه در هر جامعه‌ای با توجه به اهداف آن انواعی دارد که عبارتند از:

توسعه اقتصادی: در تعریف توسعه اقتصادی نیز اختلاف نظرهایی بین صاحب نظران وجود دارد. برخی معتقدند "توسعه اقتصادی عبارت است از فرآیندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور و در یک محدوده زمانی افزایش یابد. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از دستیابی به تعدادی از هدفها و نوسازی و افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت جدید، بهبود در وضع نهادها و بطور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاستهای مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازند"^(۱۹). اما برخی دیگر از صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که "توسعه اقتصادی تنها وقتی ثمربخش و مترقی است که با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی همسو باشد. بدون توجه به این جنبه اساسی توسعه اقتصادی اگر هم عمل شود راه‌گشای جامعه به سمت زندگی شرافتمندانه و آگاهانه نیست."^(۲۰)

توسعه سیاسی: در این ارتباط عبدالعلی قوام یکی از صاحب نظران توسعه در کشورمان بیان می‌دارد "هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال و از انعطاف ناپذیری به انعطاف‌پذیری و پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد"^(۲۱) برای توسعه سیاسی در یک جامعه لازم است تا تمامی نهادهای لازم در آن رشد و گسترش یابد، خصوصاً جامعه مدنی که شامل احزاب و گروههای مختلف سیاسی و مستقل می‌باشد که از حق و حقوق مردم و اقشار و اصناف مختلف حمایت و جانبداری کند.

توسعه فرهنگی: برخی از صاحب نظران توسعه با اعتقاد به این که ادیان و آداب و رسوم سنتی از جمله



و صنایع دستی در روستا و شهر و... را مشارکت فرهنگی گویند.

مشارکت سیاسی: یکی از ابعاد مشارکت مردم در جامعه مشارکت سیاسی است که بنا به اظهار برخی از صاحب نظران مشارکت سیاسی مقدمه دیگر ابعاد است، که معمولاً در یک فضای دموکراتیک و آزاد که مردم احساس برابری نمایند بهتر اتفاق می‌افتد. از جمله می‌توان به شرکت مردم در انتخاب نماینده، مسئولین، نظام، مدیریت نهادها و... اشاره نمود.

توسعه و ابعاد آن

درباره توسعه برخی معتقدند که "اصطلاح توسعه در معنای جدید آن، تنها پس از پایان جنگ جهانی دوم فراگیر شد. اما این اصطلاح خوشبختانه واژه ترقی را که بیانگر فکر انسان دوره روشنفکری بود و نیز بار اندیشه (قوم‌مداری) غریبان قرن نوزدهم را که کاربرد اجتماعی واژه (تکامل) مستر بود با خود به همراه دارد. واژه توسعه (Develop) به معنی خروج از لاف است. نخستین نظریه پردازان توسعه پس از جنگ جهانی دوم که بعداً نظریه‌شان به نام نظریه نوسازی مشهور شد بر آن بودند که این (لاف) همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزشهای این جامعه است."^(۲۲) مطابق این نظریات توسعه، گذر از جامعه سنتی به صنعتی محسوب می‌شود.

لویس یک دیگر از صاحب نظران توسعه معتقد است که "توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد

در موارد زیر میداند:

۱- مشارکت و حضور مؤثر در امور سیاسی جامعه از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین رده های تصمیم‌گیری مملکتی.

۲- مشارکت در ساختار و برنامه‌ریزی اجرایی مملکت از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین سطوح.

۳- مشارکت در ساختار اجرایی مملکت به نحوی که پایه‌های نظام بوروکراسی مملکت به کلی در هم ریزد.

۴- مشارکت در ساختار فرهنگی، اجتماعی جامعه به نحوی که انتفاک آراء و اندیشه‌ها و جایگاه افسراد و گروه‌های اجتماعی در آن به نحو احسن محفوظ باشد.

۵- مشارکت در ساختار اقتصادی مملکت، چه در بخش تولیدی و چه در بخش توزیع و چه در بخش اجرایی.^(۱۶)

یکی دیگر از محققان به نام جلیل کلانتری چنین بیان می‌دارد: "براساس دیدگاه جدید در توسعه، مردم به عنوان نقطه مرکزی توسعه محسوب می‌گردند. از یک طرف مردم نقش محوری در ایجاد توسعه در سطوح مختلف دارند و از طرف دیگر خود هدف توسعه‌اند، به این جهت توسعه تنها به معنای افزایش تولیدات، بهبود تغذیه و ارائه خدمات اساسی همچون آموزش، بهداشت و افزایش رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی مردم نیست. بلکه علاوه بر این موارد مشارکت مردم در روند توسعه (تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا) و به کارگیری تجربیات و استعداد و خلاقیت‌های آن در جهت کنترل و بهره‌برداری از منابع ملی و محلی و بارور ساختن آن برای نیل به رفاه اجتماعی محسوب

می‌شود. در جوامع جهان سوم، به دلیل فقر ساختاری مردم و همچنین نادیده گرفتن مردم در روند توسعه جامعه در تمامی زمینه‌ها نمی‌توانند از

تمامی امکانات اولیه و منابع موجود برخوردار شوند. در حالی که مسیر توسعه نه از کنار مردم که از درون مردم می‌گذرد و به مردم ختم می‌شود. بنابراین تنها ایده‌ای که از درون این مسائل منتج می‌گردد مشارکت است که نه تنها ماهیت و مسیر توسعه را تغییر می‌دهد بلکه آن را به نوعی از توسعه تبدیل می‌کند که بیشتر با علایق و شرایط زندگی مردم ارتباط دارد."^(۱۷)

اوکلی و مارسون دو تن از صاحب‌نظران مشهور مشارکتهای مردمی در جوامع در حال توسعه در رابطه با مشارکت و نقش آن در روند توسعه نکاتی را به

عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی جوامع در حال توسعه است بیان می‌دارند که، "فرهنگ سنتی یکی از موانع توسعه در کشورهای توسعه نیافته است. اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند به درجه‌ای از توسعه دست یابند، بایستی فرهنگ سنتی خود را به فراموشی سپرده و با قبول فرهنگ مدرن، خود را با خصوصیات غربی سازگار نمایند، تا تکنولوژی، فن، علم و صنعت نوین غربی بتواند بدون مانع به جامعه ایشان راه یابد."^(۱۸) در صورتی که بسیاری معتقدند که "توسعه نه به معنای نابود کردن هویت فرهنگی بلکه برعکس به معنای حفظ آن است و مفهوم حفظ هویت فرهنگی نیز پرهیز از تحول فرهنگی براساس گرفتن از جوامع پیشرفته‌تر نمی‌باشد."^(۱۹) مانند توسعه یسافتگی برخی از جوامع شرق آسیا.

توسعه انسانی: این نوع توسعه که مورد تأیید مجامع بین‌المللی هم است ملاک و معیار اصلی توسعه را انسان و زندگی آن در یک جامعه سالم می‌داند و معتقدند توسعه انسانی معمولاً دارای دو جنبه اساسی است. "نخست شکل‌گیری توانمندی‌های انسانی و افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت و دیگری بکارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و یا فعالیت در امور فرهنگی اجتماعی و سیاسی."^(۲۰) توسعه انسانی مجموعاً دارای چهار هدف زیر می‌باشد.

۱- بهره‌وری: مردم باید قادر شوند سقف بهره‌وری خود را ارتقاء بخشیده و در فرایند درآمذزایی و اشتغال مشارکت فعال داشته باشند.

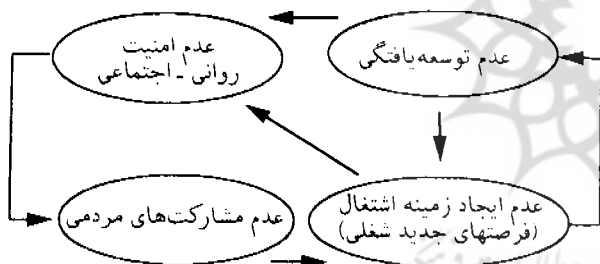
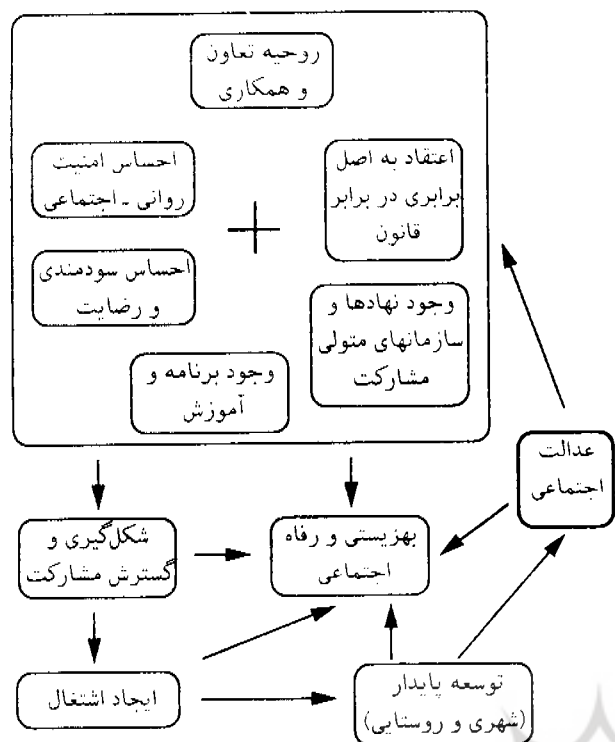
۲- برابری: مردم باید از شانس مساوی برای دسترسی به موقعیت‌ها برخوردار باشند.

۳- پایداری: دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل‌های حاضر که برای نسل‌های بعدی هم باید تضمین شود و جهت نیل به این مهم هر نوع سرمایه فیزیکی انسانها و زیست محیطی باید ذخیره‌سازی و جبران شود.

۴- توانمند سازی: توسعه باید توسط مردم صورت گیرد نه برای مردم. از این رو باید در جریان تصمیمات و فرایندهایی که زندگی آنان را شکل می‌دهند مشارکت تام داشته باشند.^(۲۱)

دیدگاه‌های نظری

ربیع بدیعی یکی از محققان کشورمان مشارکت مردم از اقصا و گروه‌های مختلف در حق تعیین سرنوشت خویش و جامعه خود را به ترتیب اولویت



"مدل نظری چرخه بهزیستی و رفاه"

خلاصه و نتیجه گیری یافته های تحقیق

۱- بدون مشارکت به عنوان مهمترین و مؤثرترین اصل در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه مطلوب (متوازن و همه جانبه) دور از دسترس است.

۲- بدون مشارکت، رشد اقتصادی، پیشرفت صنعتی و توسعه، مفهوم واقعی نخواهد یافت و پیامدهایی از جمله بی عدالتی و تشدید شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی و... خواهد داشت.

۳- همکاری و مشارکت در انجام امور ضمن تامین نیازها با سرعت بیشتر، موجب کاهش زمان، هزینه و انرژی می شود. ادامه دارد

شرح زیر بیان داشته اند:

۱- مشارکت و همکاری داوطلبانه و اختیاری پایدار در برنامه های عمومی برای توسعه ملی نقش جدیدی را ایفا می کنند.

۲- مشارکت در کلی ترین حالت یعنی حساس کردن مردم، بنابراین برای افزایش پذیرش و توانایی مردم برای واکنش نسبتاً بالا نسبت به برنامه های توسعه باید حساسیت آنها را جلب نموده و حتی به شیوه تشویق اقدامات عملی نیز توجه نمود.

۳- مشارکت شامل درگیر شدن مردم در فرایندهای تصمیم گیری، اجرای برنامه ها و سهم شدن در منافع برنامه های توسعه و درگیر شدن در تلاشهایی برای ارزیابی برنامه هاست.

۴- درگیری اجتماعی یکی از جوانب مشارکت و دخالت و درگیر شدن مردم در بیان مشکلات و مسائل پیرامون آنهاست و پیشنهادات آنها برای حل این مشکل است.

۵- مشارکت عمومی در توسعه که مکمل مطالب فوق است درگیری فعالانه مردم در فرایند تصمیم گیری تا آن حد که به آنها مربوط می شود و بر روی آنها اثر می گذارد.

۶- مشارکت به عنوان یک فرایند درون گروهی برای اثبات استقلال در فهم هرگونه مشکلات.

۷- مشارکت عبارت است از تلاشهای سازمان یافته برای افزایش و تسلط بر منافع و نهادهای تنظیمی در موقعیتهای اجتماعی داده شده. (۲۸)

فریدمن و بورو از صاحب نظران مشهور نظریه جماعات روستایی که بیشترین تأکید را بر مشارکت

در مناطق روستایی داشتند معتقدند که: نظریه جماعات روستایی بر سه محور استوار است یکی همبازی و خودداری داوطلبانه، دوم جماعات روستایی و سوم توسعه غیرمتمرکز (توسعه پایین به بالا) در این نظریه مردم نقش اصلی را در توسعه به صورت روندی تدریجی دارند که از نیازهای اساسی جامعه شروع و تا نیازهای تفکیک شده در مراحل عالی ادامه می یابد. (۲۹)

فرنج جامعه شناس مشهور فرانسوی نیز مشارکت را جریانی می داند که طی آن دو دسته یا بیشتر از مردم در فرایند تصمیم گیری و یا اجرای عمل مشخص بر یکدیگر متقابلاً تأثیر می گذارند. در نظر فرنج میزان مشارکت یک شخص مساؤل تأثیری است که وی در تصمیمات و طرح های مورد قبول داشته باشد. (۳۰)

تمامی نوازندگان عمیقاً تابع و مرتبط با رهبر ارکستر هستند.

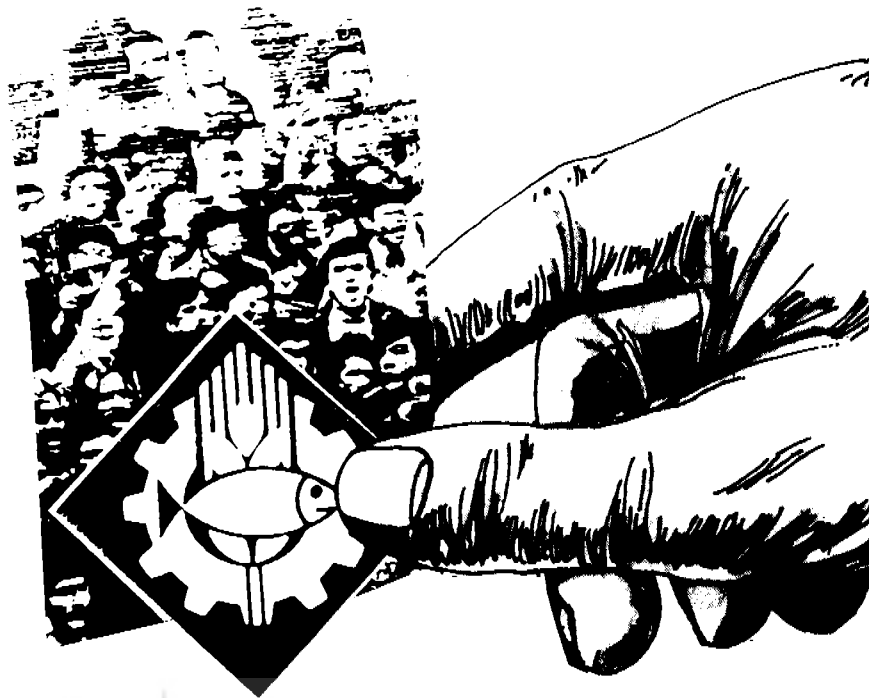
نتیجه کار یک آهنگ موزون است. طبیعت سازمانهای یادگیرنده امروزی نیز چنین است که با پرسنل زیاد و با فرهنگهای متفاوت همچنان در حال رشد و فعالیت هستند. نظیر شرکتهای "آی بی ام" یا "مایکروسافت".

از ویژگیهای دیگر سازمانهای یادگیرنده، روانی جریان اطلاعات در این سازمانهاست این روانی باعث افزایش دانش و رشد مدیریت نیروی انسانی در سازمان میشود. با رشد دانش پرسنل، میزان I.Q سازمانها افزون و بهره وری آنان ارتقاء می یابد.

از سوی دیگر در این سازمانها، کارکنان به علت آموزشهای مکرر و تفویض اختیاری که به آنها می شود با ایجاد تمهای متعدد و انجام بحثهای گروهی به ارتقای اطلاعات و توانمندی خود می پردازند. چنین روندی باعث می شود فرهنگ بسیار قوی در سازمان حاکم و آرمان یا دیدگاه مشترکی میان نیروی انسانی و سازمان فراهم آید.

چنین آرمانی یا دیدگاه مشترک در یک سازمان ایجاد نمی شود مگر در سایه یک رهبری قوی سازمانی. در این حالت استراتژی کلی سازمان به صورت باز جریان دارد و تمامی بخشها با اطلاعات و توانمندی بالایی که به دست آورده اند در تعامل منطقی با یکدیگر قرار می گیرند. بطور کلی در سازمانهای یادگیرنده ۵ قاعده یا فرمان وجود دارد که جریان تفکر سیستمی از قواعد مهم در این سازمانهاست. این ۵ قاعده عبارتند از "الگوهای ذهنی، آرمان مشترک، یادگیری تیمی، قابلیت فردی و در نهایت تفکر سیستمی" برای ایجاد تفکر سیستمی در سازمان اولین گام، جریان جزئی نگری و توجه به اجزاء است. دوم، ریشه یابی مرزهای سیستم می باشد (مرزبندی میان تمام بخشها) در تفکر سیستمی، ریشه های خوبی بررسی شده و به کمک الگوهای پویا (MODELS) (DINAMIC) تمامی علتها و معلولها مورد مطالعه قرار می گیرد.

یکی از زیر مجموعه های تفکر



سازمانهای یادگیرنده کدامند؟

دکتر... البرزی

برای حفظ بقا، سازمانها را با این دگرگونیها هماهنگ سازند و برای دستیابی به این امر باید به یادگیری به عنوان پدیده ای ارزشمند بنگرند و بدین وسیله همواره خود را آماده پذیرش تغییرات کنند و کارکنان سازمان را نیز با دگرگونیها همراه سازند. وقتی مدیران باور کنند که تغییرات در سازمان ضروری است، می توانند مدیریت تغییر را در سازمان خود برعهده گیرند. در مدیریت تغییر لازم است:

- حالت مطلوب سازمانی برای مدیران شناخته شده باشد.
- وضعیت موجود سازمان توصیف گردد.
- شکاف وضع موجود و وضع مطلوب برای مدیران مشخص باشد.

در سازمانهای یادگیرنده تمامی اجزاء بهم ربط و پیوندی عمیق دارند طوری که پیتر دراگر "این گونه سازمانها را به ارکستری تشبیه می کند که هر کس ساز خود را می زند اما نکته مهم این است که

سازمانهای یادگیرنده، پدیده های هستند که با شروع دهه ۹۰ میلادی مطرح شدند. علت پدیدار شدن چنین سازمانهایی، شرایط، نظریه ها و تغییر و تحول در محیطهای سازمانی قبل از دهه مذکور بوده است. به گونه ای که تمام سازمانها تلاش گسترده ای را برای بقای خود آغاز کرده بودند برای آنکه بتوانند خود را در محیط پرتلاطم اطراف خود حفظ کنند می بایست از قالبهای غیر پویا خارج و به سمت سازمان یادگیرنده متحول شوند. یعنی در ساختار و اساس خود تغییرات عمیقی ایجاد کنند.

سازمانها قبلاً در محیطی پایدار به سر می بردند و وقایع آینده تقریباً قابل پیش بینی بودند، به طوری که مدیران می توانستند در شرایط مطمئن برنامه ریزی کنند. اما امروز محیط به شدت در حال تغییر است و تغییرات تکنولوژیک، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به سرعت سازمانها را تحت تأثیر قرار می دهند. در این حالت، مدیران نیاز دارند که

- دانش خود باشند.
- سیستمی، مرزبندی میان بخشهای یک سیستم است که هویت سیستم در این مرزبندی مشخص شده و ارتباط میان سیستم و محیط در آن صورت می‌گیرد. تمامی داده‌ها و ستاده‌ها از مرز سیستم عبور می‌کنند و ریشه مشکلات معمولاً درون مرز سیستم جای دارند. زیر مجموعه دیگر، کل‌گرایی است. سیستم، کلی است متشکل از مجموعه دو یا تعداد بیشتری از اجزاء که رفتار هر جزء بر رفتار کل اثر می‌گذارد و وجودش بستگی به تعامل اجزاء با یکدیگر دارد.
- آنچه که در بحث ریشه یابی به عنوان زیر مجموعه مهم تفکر سیستمی سازمانها مطرح است، شناسایی ریشه مشکلات بر اساس تعامل اجزای سیستم با یکدیگر است.
- این شناسایی ممکن است بر اساس پویایی سیستم، اجتناب از تمرکز به وقایع و یافتن اهرم مناسب برای رفع مشکلات باشد.
- رفتار بسیار مشهود و قابل توجه در سازمانهای یادگیرنده این است که آنها با توجه به الگوهای ذهنی تکامل یافته، همواره برای کل مسائل و مشکلات خود به سه عامل تأمل، پرسش و تدافع توجه خاص دارند. این در حالی است که سازمانهای مابیشتر به تدافع می‌پردازند تا تأمل و پرسش بهره‌وری محور اصلی سازمانهای یادگیرنده می‌باشد.
- برای اینکه شرکتهای زنده بمانند و در دنیای رقابت حضور فعال داشته باشند باید به طور مرتب در بالابردن اطلاعات، دانش و توانایی خودشان کوشش کنند و بر آموزش کارکنان ارزش قائل شوند. امروزه یادگیری از تمام دوره‌های گذشته، اهمیت بیشتری پیدا کرده است امروزه باید فکر کردن و ایده دادن کل سازمان را شامل شود. این دیگر صحیح نیست که در بالای سازمان فکر کنند و ایده دهند و در سطوح پائین عمل کنند بلکه فکر کردن و عمل کردن مربوط به کلیه کارکنان در سطوح مختلف سازمان می‌باشد.
- رهبران سازمانهای یادگیرنده مسؤولیت ایجاد امکانات و شرایط یادگیری را در سازمان دارند کارکنان باید بطور مستمر در پی یادگیری و بالابردن
- انسانی در صدر اولویتهای سازمانی
- استفاده از آموزش به عنوان عامل اصلی تأمین قابلیت‌ها و صلاحیتهای علمی و تخصصی و تواناییها و مهارتهای فنی و حرفه‌ای کارکنان
- حمایت از آموزش واحدهای مختلف سازمان
- انتقال و اجرای سریع یادگیری سایر شرکتهای به داخل سازمان
- حمایت و یادگیری ایده‌های خوب و کارهای موفق سایر بنگاهها
- توجه بیشتر به بعد انسانی مدیریت
- پرورش و ترویج فرهنگ چشم انداز و سرنوشت مشترک
- پرورش و ترویج تفکر استراتژیک مشارکتی و تعاملی مشارکت و کار تیمی
- نیاز به توجه بیشتر به خلاقیت و نوآوری همه جانبه نیروی کار
- گرایش بیشتر به شایسته سالاری
- تقویت ارزشهای خانوادگی نیروی کار
- کوچک‌سازی / مناسب‌سازی نیروی کار (بویژه به دلایل نامانی اقتصادی و رقابت جهانی)
- نیاز به انسانی شدن محیط‌های کاری
- مکانیزه شدن مشاغل
- مقررات و ملاحظات جدید محیط زیستی / استفاده بهینه‌تر از محیط زیست
- تحولات علمی / تکنولوژیکی / HIGH TECH (پیچیده‌تر شدن تکنولوژی)
- توسعه اتوماسیون
- تحولات و پیشرفتهای ارگونومی
- ساعت شناور کاری / حذف محدودیتهای زمانی کار
- مجازی شدن محیط‌های کاری / عدم وابستگی کار بامکان
- رشد تواناییها و قابلیت‌های کارکنان
- تخصصی‌تر شدن کارها
- توجه به موضوعات جدید مدیریتی
- حذف مقررات دست و پاگیر
- افزایش مدیریت غیر متمرکز
- توسعه نظامهای مدیریتی نوین
- افزایش رقابت و کاهش هزینه تولید
- تنوع محصولات
- تحول ساختارهای سازمانی ●
- مدیریت‌های سنتی دیگر جوابگوی سازمانها با توجه به تحولات شرایط محیطی نمی‌باشند بلکه سازمانها باید روی نوآوری و خلاقیت تأکید داشته باشند.
- نکته مهم در سازمانهای یادگیری نوع و نقش رهبری است. رهبران این سازمانها تفکر سیستمی دارند و کمتر روی موضوعات روزمره تأکید می‌کنند همچنین بیشتر بر روندها و عواملی که موجب تغییرات و تحولات میشوند تأکید دارند.
- در بلندمدت، عملکرد عالی بستگی به آموختن عالی دارد. رهبران سازمانهای یادگیرنده مسؤول بهبود مستمر بوده و شرایط را برای بالابردن توانایی‌های کارکنان فراهم می‌سازند. رهبران سازمانهای یادگیرنده ضمن اینکه از نظراتشان با استدلال حمایت می‌کنند ضمناً از کارکنان سازمان نیز می‌خواهند که آنهاهم در ارائه نظرات مشارکت نمایند و آنها را تشویق می‌کنند که اگر ایده و نظرات و یا اطلاعات متمایزی داشته باشند ارائه نمایند کوشش می‌کنند نظرات دیگران را بفهمند بجای اینکه فقط روی نظرات خودشان تأکید داشته باشند.

ویژگیهای سازمانهای یادگیرنده

- توجه به دانش کاری افراد به عنوان نقطه شروع بهبود بهره‌وری و ارتقاء کیفی تولید و خدمات
- سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه قابل توجه به تربیت و پرورش مغزهای متفکر و مبتکر
- ایجاد فرصت‌های آموزشی گسترده به منظور فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش کارکنان
- ایجاد فرصت‌های آموزشی به منظور تقویت و نمو استعدادها و خلاقیت‌ها
- استفاده از آموزش به عنوان یکی از زیرساختهای عمده و مهم بهره‌وری فردی و سازمانی
- استفاده از آموزش برای افزایش توان کارکنان موجود و ارتقاء آنان و کاهش تأمین نیروی انسانی از منابع خارجی که نوعی ناکامی مدیریت تلقی می‌شود.



پرسش و پاسخ حقوقی

احمدرضا فخاری

● پاسخ: همان‌گونه که در شماره‌های پیشین نیز مورد تصریح قرار گرفته است شرکتهای تعاونی می‌توانند با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت، سرمایه خود را افزایش دهند و این افزایش سرمایه به استناد تنصیر ۲ ماده ۱۰ قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ از طریق انتشار سهام و خرید آن به وسیله اعضای جدید یا اعضای قبلی شرکت صورت می‌گیرد. بنابراین مصوبه مورد نظر در اصل افزایش سرمایه خالی از اشکال است. اما قسمت دوم مصوبه (دائر بر ملزم بودن اعضا شرکت به خرید سهام منتشره) را نمی‌توان صحیح دانست زیرا در معاملات و قراردادهای اصل آزادی اراده حاکمیت دارد و رضایت طرفین شرط اساسی صحت معامله است. بنابراین نمی‌توان هیچ شخصی را مجبور و ملزم به انجام معامله نمود. بدیهی است در صورتی که اعضای شرکت متعهد به خرید سهام مزبور شده باشند، بایستی تعهدات خود را در این زمینه ایفاء نمایند. همچنین در حالتی که کلیه اعضا تعاونی رأی موافق به مصوبه مجمع عمومی یاد شده داده باشند، تبعیت از آن بر ایشان الزامی است. ماده ۱۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد: «کلیه اعضا مکلفند به وظائف و مسؤلیتهایی که در حدود قوانین و مقررات تعهد کرده‌اند عمل کنند».

□ پرسش: سؤالات زیر توسط کارشناسان ادارات تابعه مطرح گردیده که با ذکر هر مورد به پاسخگویی آنها می‌پردازیم:
- حداقل تعداد کاندیداهای عضویت در هیأت مدیره یک تعاونی بایستی چند نفر باشد؟

● پاسخ: حداقل تعداد کاندیداهایی که برای برگزاری انتخابات هیأت مدیره لازم است. با توجه به تعداد اعضا اصلی و علی‌البدل هر شرکت متفاوت می‌باشد. یعنی نمی‌توان رقم ثابتی را برای کلیه شرکتهای در نظر گرفت بلکه بایستی به اساسنامه شرکت رجوع نموده و برحسب تعداد اعضا و اصلی علی‌البدل آن، تعداد کاندیداهای را معین نمود. این تعداد در هر

گردیده باشد تا بتوان در صورت تخلف از ایفاء تعهدات (بدون عذر موجه)، آن را اخراج نمود. بدیهی است چنانچه خسارتی نیز به دلیل عدم اجرای تعهدات و مقررات اساسنامه به اتحادیه وارد شده باشد، عضو مربوطه ملزم به جبران آن است.

□ پرسش: عضو یک شرکت تعاونی با اظهار این مطلب که در تعاونی مربوطه، مجمع عمومی عادی ضمن تصویب افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام، خرید سه قطعه سهم برای هر عضو را الزامی نموده، خواستار پاسخگویی به این سؤال شده‌اند که آیا اولاً چنین مصوبه‌ای دارای وجهت قانونی است، ثانیاً آیا به استناد آن می‌توان اعضا مستنکف از خرید سهام را از شرکت اخراج نمود؟

□ پرسش: عضو هیأت مدیره یکی از اتحادیه‌های تعاونی سؤال نموده‌اند، چنانچه برخی از اعضا اتحادیه از معامله با اتحادیه خودداری و از این رهگذر زیانی به اتحادیه وارد گردد، آیا می‌توان اخراج آنها را به مجمع عمومی پیشنهاد نمود؟

● پاسخ: برای آنکه بتوان اخراج عضوی را به مجمع عمومی پیشنهاد کرد، بایستی الزاماً یکی از شرایط ماده ۱۳ قانون بخش تعاون حادث گردد. آنچه در میان این شرایط با موضوع فوق مرتبط است، بند ۲ ماده مذکور مبنی بر «عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی...» می‌باشد. در این رابطه بایستی مطابق مقررات اساسنامه مورد عمل یا قراردادهای و توافقات منعقد شده بمابین، عضو متعهد به معامله با اتحادیه

راه و ساختمان، دندانپزشکان و... وجود دارد؟

● **پاسخ:** در مورد امکان تشکیل شرکت تعاونی اعتبار برای صنوف و مشاغل خاص، ظاهر ماده ۸۴ قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰، مؤید آن است زیرا در این ماده تشکیل تعاونی اعتبار برای گروههای شغلی مختلف مجاز دانسته شده است. مع هذا با توجه به اینکه اجرای ماده ۸۴ منوط به تهیه آئین نامه گردیده و شورای پول و اعتبار نیز در آئین نامه مورخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۴ خود، تشکیل تعاونیهای اعتبار را منحصر به کارکنان سازمانهای اداری بخش خصوصی یا دولتی نموده، عملاً امکان تشکیل تعاونیهای مذکور برای صنوف و مشاغل سلب گردیده است. هر چند این آئین نامه برخلاف اصول و قواعد مسلم حقوقی، عموم قانون را تخصیص زده است. لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۷۸، دادخواستی به خواسته ابطال ماده ۱ آئین نامه مذکور (از سوی فردی) تقدیم دیوان عدالت اداری گردید و مرجع مذکور بر اساس نامه شماره ح ق/۴۱۹۲ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲ اداره حقوقی بانک مرکزی مبنی بر اینکه «با توجه به مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین نامه های مربوط و همچنین به موجب ماده ۸ لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۷ شورای انقلاب، مقررات آئین نامه شرکتهای تعاونی اعتبار منسوخ و غیرقابل استناد می باشد». اعلام داشت: «نظر به اینکه ماده ۱ آئین نامه مورد اعتراض با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا منسوخ و از درجه اعتبار ساقط گردیده است، بنابراین موردی برای رسیدگی و امعان نظر به اعتراض نسبت به ماده منسوخه فوق الذکر وجود ندارد».

علیهذا چنانچه استدلال مندرج در نامه اداره حقوقی بانک مرکزی و رأی شماره ۱۸۶ مورخ ۷۹/۵/۳۰ دیوان محترم عدالت اداری را صحیح بدانیم، به نظر می رسد اساس تشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار محل تردید باشد خواه برای صنوف و مشاغل خاص و خواه برای کارکنان سازمانهای بخش خصوصی و دولتی!

جرائم موضوع بند ۶ محکوم شود. در اینخصوص توجه به تبصره ۴ ماده ۳۶ و تبصره ۱ ماده ۴۰ قانون نیز خالی از فایده نیست که مطابق آنها «ممنوعیت قانونی» به عنوان یکی از حالات امکان دعوت از عضو علی البدل تلقی گردیده است.

□ **پرسش:** مراد تبصره ۴ ماده ۳۶ قانون بخش تعاون از «روزنامه کثیرالانتشار»، کدام قسمت از روزنامه است و آیا امکان درج آگهی تشکیل مجامع عمومی در بخش نیازمندیهای روزنامه وجود دارد؟

● **پاسخ:** در خصوص معنای روزنامه کثیرالانتشار، مقررات آمرهای وجود ندارد و به نظر می رسد بهترین مأخذ و مبنا برای تعیین مدلول آن، مصوبه ای باشد که روزنامه کثیرالانتشار در آن تعیین گردیده است. در این مورد شایسته است ضمن معین نمودن روزنامه مربوط، بخش مورد نظر نیز تعیین تا از اطلاع اعضا اطمینان حاصل گردد. در خصوص درج آگهی در بخش نیازمندیها نیز با توجه به اینکه قسمت مذکور جزئی از روزنامه است و عنوان روزنامه به آن بخش نیز صدق می کند بنابراین درج آگهی در آن (با اطلاع قبلی اعضا) امکان پذیر است.

□ **پرسش:** چنانچه مسؤولین یک شرکت از در اختیار گذاردن اسناد مالی و حسابداری خود به ادارات کل استنفک نمایند، چه اقدام قانونی علیه آنان متصور است؟

● **پاسخ:** در مورد تسلیم اسناد و مدارک مالی شرکتهای و اتحادیه های تعاونی به ادارات کل تعاون جهت بررسی، علاوه بر الزامات مقرر در مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰، اشخاص مذکور طبق مواد ۵۵ و ۴۹ اساسنامه خود نیز متعهد به انجام وظیفه فوق گردیده اند. بنابراین در صورت استنفک می توان با تقدیم دادخواست به محاکم عمومی دادگستری، الزام آنان را به در اختیار گذاردن اسناد و مدارک مالی استدعا نمود.

□ **پرسش:** آیا از نقطه نظر قانونی، امکان تشکیل تعاونی اعتبار برای صنوف و مشاغل خاص مانند خیاطان، مهندسی

حال نایستی از مجموع اعضای اصلی و علی البدل کمتر باشد. به عنوان مثال، چنانچه تعداد اعضای اصلی هیأت مدیره یک تعاونی، پنج نفر و تعداد اعضای علی البدل آن دو نفر باشند. حداقل تعداد کاندیداهای تصدی سمت هیأت مدیره بایستی هفت نفر باشد تا اعضا حاضر در مجمع بتوانند پنج نفر عضو اصلی را از میان آنها انتخاب نموده و حائزین اکثریت آراء بعد از اعضا اصلی به ترتیب اعضا علی البدل شناخته شوند.

□ **پرسش:** چنانچه هیأت مدیره ای در زمان تصدی خود، عملکرد منفی و غیر قابل قبولی داشته، آیا می توان صلاحیت آنها را برای انتخاب مجدد رد نمود؟

● **پاسخ:** شرایط سلبی و ایجابی تصدی سمت هیأت مدیره (به صورت حصری) در ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران احصاء گردیده و وجود سابقه عملکرد منفی در زمره موانع تصدی سمت مذکور نمی باشد. اما در حالی که این سابقه منفی بمنزله فقدان اطلاعات و تجربه لازم برای انجام وظائف متناسب با آن تعاونی باشد، می توان به استناد بند ۳ ماده ۳۸، صلاحیت داوطلبین مذکور را رد نمود.

□ **پرسش:** آیا احراز شرایط موضوع ماده ۳۸ قانون بخش تعاونی صرفاً در زمان ورود به پستهای هیأت مدیره، مدیریت عامل و بازرس تعاونی لازم است یا اینکه در طول مدت تصدی نیز بایستی حفظ شوند؟

● **پاسخ:** شرایطی که در ماده ۳۸ قانون برای احراز سمتهای مذکور لازم دانسته شده، علاوه بر ورود به سمت، شرط بقاء بر آن نیز می باشد زیرا اینها شرایط تصدی هستند و افرادی که می خواهند اداره امور تعاونی را به عهده گیرند بایستی خالی از موانع باشند. به عنوان مثال «عدم حجر» یکی از شرایط تصدی سمت هیأت مدیره است. حال چنانچه فردی در ابتدای تصدی محجور نبوده ولیکن مدتی بعد مثلاً دچار جنون شود، دیگر نمی تواند به سمت خود ادامه دهد. همچنین است در مواردی که فردی تابعیت خود را از دست داده یا اینکه بنا به حکم قطعی دادگاه، (به اتهام یکی از



تمرکز زدایی در بخش تعاونی

نگاهی به آیین نامه:
تفکیک وظایف اجرائی از
حوزه ستادی وزارت تعاون

پژوهشگاه علم‌انسان از مطالعات فرهنگی
راهنمای علوم انسانی
محمد بهروز

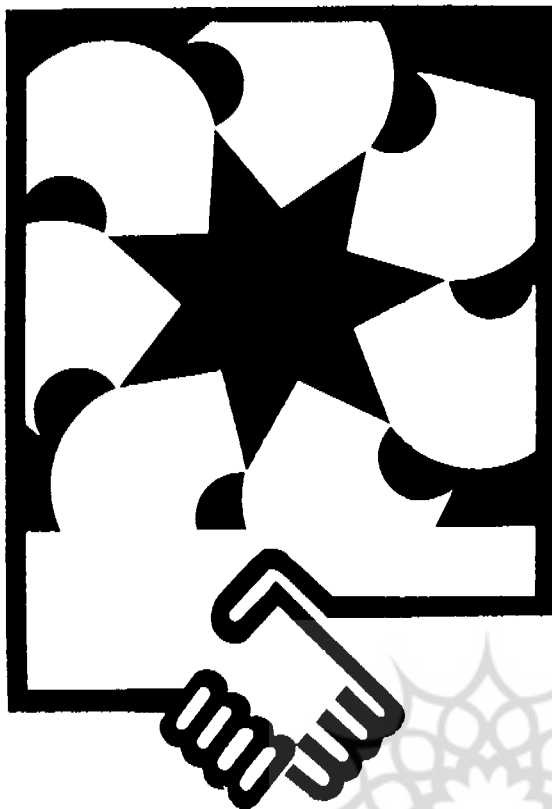
طی چند سال اخیر موضوع تمرکز زدایی به عنوان یکی از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی، برای اداره امور کشورها همواره مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه بوده است. و تمرکز زدایی را می‌توان واگذاری مسؤلیت‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر و یا برنامه‌ریزی، ارتقاء مدیریت و تخصیص منابع و اجرای طرح‌های منطقه‌ای توسط سازمانهای محلی و مقامات اجرائی استانی و یا سازمانهای غیر دولتی (تعاونی و خصوصی) بشمار آورد.

معمولاً «میزان اختیارات، حق تشخیص و تصمیم‌گیری تفویضی از سوی دستگاههای اجرائی مرکزی متغیر است که می‌بایستی متناسب با توانائی‌ها،

امکانات و استعدادهای مناطق صورت پذیرد. بعضی اینگونه تصور می‌کنند که اداره امور کشور به روش متمرکز صورت می‌گیرد در حالی که در سرزمین پهناور ایران اینچنین نیست بلکه در کشور ما در وضع فعلی، اداره امور کشور تقریباً بصورت نیمه‌متمرکز انجام می‌شود و واحدهای محلی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های وزارتخانه مربوطه را در استان ما پیگیری می‌کنند که البته از نظر پاسخگویی و هماهنگی نیز با مشکلاتی مواجه می‌باشند زیرا واحدهای استانی در وهله اول در مقابل بالاترین مقام دستگاه اجرایی خود پاسخگو هستند و نه استان مربوطه. لذا در برنامه‌های دوم و سوم

توسعه کشور به امر تمرکز زدایی از واحدهای ستادی توجه خاصی شده است لکن هنوز کفایت نکرده و در حد مطلوب نیست.

در فصل اول قانون برنامه سوم بر اصلاح ساختار اداری و مدیریت تأکید گردیده و در فصل هشتم قانون برنامه سوم نیز با استقلال بخشیدن به نظام درآمد و هزینه در استان حرکت مفیدی در اینجهت صورت گرفته است لذا در ردیف ۳ بند ب ماده ۱ قانون برنامه سوم توسعه موضوع وظایف و اختیارات شورای عالی اداری، تفکیک وظایف اجرائی از حوزه ستادی وزارتخانه‌ها و محدود نمودن فعالیت حوزه ستادی به اعمال حاکمیت و امور راهبردی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی



و نظارت) و انتقال وظایف اجرایی به واحدهای استانی و شهرستانی تصریح گردیده، همچنین در بند «د» ماده ۲ قانون مذکور «رعایت اصل عدم تمرکز در توزیع وظایف ملی و استانی و محدود نمودن وظایف و مأموریت‌های ملی و ستادی به جسنبه‌های اعسمال حاکمیت با سیاستگذاری، برنامه‌ریزی کلان و هدایت و نظارت برای واگذاری امور اجرایی به واحدهای استانی مورد تأکید قرار گرفته است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود تأکید قانونگذار بر تحقق این امر استوار است که از طریق تفویض اختیارات لازم به مقامات و مسؤولین محلی تصمیم‌گیری‌ها و اجراء و تخصیص منابع سهل‌تر و امور مردم با سرعت بیشتری انجام شود.

بنابراین اختیارات مذکور بایستی به گونه‌ای تدوین گردد تا به عنوان اختیارات ذاتی مدیران محلی تلقی گردد و فرآیند تمرکززدائی منتج به تفویض اختیار گردد.

وزارت تعاون غلیرغم عمر کوتاه خود طی سالهای اخیر گامهای بلندی در این راستا برداشته است. امور مالی و اداری و خدمات پشتیبانی به واحدهای استانی تفویض شده است و در اجرای قانون فوق‌الاشاره آن وزارتخانه از وزارتخانه‌های پیشگام در این امر بوده که با برگزاری جلسات مشترک بانمایندگان معاونت‌های ذیربط در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با هدایت وزیر و معاونین این دستگاه و کارشناسان ذیربط موضوع تفکیک وظایف اجرایی و ستادی وزارتخانه تهیه و پس از تصویب شورای عالی اداری طی مصوبه شماره ۱۳۸۱/۹/۲ مورخ ۱۹۰۱/۱۵۹۷۵۸ شورای عالی اداری جهت اجرا ابلاغ گردید. اینک عین متن مصوبه مذکور برای اطلاع علاقمندان و تعاونگران بشرح ذیل درج می‌گردد.

این مصوبه علاوه بر محاسن زیادی که دربر دارد می‌تواند نگرش واحدی نیز برای مدیران استانها در حوزه وظایف و مأموریت وزات تعاون در سطح کشور فراهم نموده و چارچوب فعالیتهای آنان را در سطح استانها شفاف سازد بنابراین در ادامه این اقدام مهم از مدد ان کال

محترم استانها انتظار می‌رود که به منظور انجام کار مردم در مدت زمانی کوتاهتر و با صرف هزینه کمتر وظایف ادارات کل را بازنگری کرده و نسبت به واگذاری وظایف و تفویض اختیار لازم به ادارات تعاون شهرستانهای تابعه اقدام نمایند.

وظایف حوزه مرکزی وزارت تعاون شامل امور راهبردی (سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت):

- ۱- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
- ۲- تهیه لوایح قانونی و آیین‌نامه‌های قانون مذکور و اساننامه‌ها و آیین‌نامه‌های تعاونیها مطابق قانون بخش تعاون
- ۳- جلب و هماهنگی حمایتها، کمکها، تسهیلات و امکانات دولتی و عمومی جهت بخش تعاونی با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط و از طریق انعقاد تفاهم نامه‌های لازم.
- ۴- تسبوق و کمک و همکاری در

تأسیس و گسترش تعاونیها با جلب همکاری و مشارکت عموم مردم و شوراهای اسلامی کشور

۵- ایجاد زمینه‌های همکاری و هماهنگی و تعاون بین تعاونیها و همچنین بین اتحادیه‌های تعاونی یا بین بخش تعاونی و سایر بخش‌های اقتصادی

۶- کمک به فعالیت‌های تبلیغاتی، آموزشی، فرهنگی، فنی، علمی، تحقیقاتی و صنعتی لازم برای بخش تعاونی با همکاری اتحادیه‌های تعاونی

۷- شرکت در مجامع بین‌المللی تعاون به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران

۸- تنظیم برنامه‌های ترویجی و آموزش تعاون برای تفهیم و تعمیق روش‌ها و برنامه‌های مختلف تعاون و انتشار کتب و نشریات مورد لزوم تعاونی

۹- انجام تحقیقات آماری و اطلاعاتی و مطالعه درباره فعالیت تعاونیها در زمینه شناخت نارسائی‌ها و نیازهای آنها و همچنین توانائیها و امکانات آنها به منظور استفاده در برنامه ریزی‌های مربوط

۱۰- ایجاد تسهیلات لازم جهت توسعه فعالیت تعاونی‌ها در امور تولیدی

۱۱- برنامه ریزی برای فراهم آوردن موجبات صدور تولیدات بخش تعاونی

۱۲- تهیه و تنظیم طرح‌های اساسی به منظور فراهم آوردن موجبات تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۳- فراهم آوردن تسهیلات لازم در جهت دستیابی تعاونیها به مواد اولیه و وسایل و کالاهای مورد نیاز

۱۴- سیاستگذاری، تعیین خط‌مشی و برنامه‌ریزی در حدود مقررات و اختیارات برای توسعه و رشد بخش تعاونی

۱۵- اجرای بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاون در مورد اتحادیه‌های تعاونی سراسری و شرکت‌های فرااستانی

۱۶- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تهیه، ایجاد، توسعه، بازسازی، نوسازی واحدهای تعاونی و نظارت بر امور آنها

۱۷- تأمین شرایط و فراهم آوردن امکانات برای سرمایه‌گذاری بخش تعاونی جهت ایجاد تعاونیها با اولویت تعاونی‌های تولیدی

۱۸- تنظیم برنامه و تعیین نحوه کمک‌های اعتباری در حدود مقررات و اختیارات از طریق بانکها و مؤسسات اعتباری و کمک‌های دولتی به تعاونیها

۱۹- مشارکت، ایجاد، توسعه و بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری در تعاونیها و نیز انتقال یا واگذاری و فروش سهام دولت در واحدهای تولیدی و توزیعی به بخش تعاونی ضمن رعایت مفاد تبصره ماده ۱۷ قانون بخش تعاونی

۲۰- عضویت در شورای اقتصاد، شورای عالی صنایع، شورای پول و اعتبار، مجمع عمومی بانکها، شورای عالی معادن و کمیسیون‌ها مربوط به صادرات و واردات کشور و سایر مجامع با نظر هیأت دولت

۲۱- مشارکت در تهیه و تدوین مقررات صادرات و واردات کشور و همکاری با مؤسسات علمی، فنی و اقتصادی بین‌المللی و قبول عضویت و شرکت در سازمانها، شوراهای و مجامع بین‌المللی مربوط به امور تعاونی

۲۲- صدور مجوز موضوع بند ۴ ماده

۵۱ قانون بخش تعاونی برای اتحادیه‌های تعاونی سراسری و تعاونی‌های فرااستانی.

۲۳- عضویت در انجمن نظارت بر انتخابات شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی و اتاق تعاون موضوع ماده ۶۸ قانون بخش تعاون که ریاست آن را نماینده وزارت تعاون بر عهده دارد.

۲۴- نظارت بر تشکیل اتاق تعاون، بسررسی و تأیید نهایی اساسنامه و آئین‌نامه‌های اتاق توسط وزیر تعاون موضوع ماده ۵۷ و بند الف تبصره ۱ ماده ۵۹ قانون بخش تعاونی، تعیین یک نفر نماینده برای عضویت در هیأت بازرسی اتاق‌های تعاون و نظارت بر فعالیت آنها، موضوع (ماده ۶۳ قانون بخش تعاون)

۲۵- سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای وصول و مصرف ۴٪ حق تعاون و آموزش موضوع بند ۳ ماده ۲۵ قانون بخش تعاون

وظایف واحدهای استانی

وزارت تعاون

۱- اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاون در سطح استان

۲- تشویق و کمک و همکاری در تأسیس و گسترش تعاونیها با جلب همکاری و مشارکت عموم مردم و شوراهای اسلامی کشور

۳- ایجاد زمینه‌های همکاری و هماهنگی و تعاون بین تعاونیها و همچنین بین اتحادیه‌های تعاونی یا بین بخشهای تعاونی و سایر بخش‌های اقتصادی

۴- کمک به شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی در ارائه خدمات حقوقی، مالی، حسابداری و حسابرسی و دیگر خدمات مورد نیاز

۵- اجرای برنامه‌های ترویج و آموزش تعاون برای تفهیم و تعمیق روشها و برنامه‌های مختلف تعاونی و انتشار نشریات مورد لزوم

۶- راهنمایی مسؤولان تعاونیها در امور حقوقی، مالی، اداری و هدایت آنها در جهت استفاده از روشها و سیستم‌های بهتر و همچنین ایجاد هماهنگی در اعمال کمک‌های فنی، اداری، مالی و غیره توسط دستگاه‌های ذیربط به منظور اداره صحیح تعاونیها

۷- ایجاد تسهیلات لازم جهت توسعه

فعالیت تعاونیها در امور تولیدی و فراهم آوردن موجبات صدور تولیدات آنها

۸- جلوگیری از فعالیت اشخاص حقیقی یا حقوقی که بهر نحو از نام تعاونی سوء استفاده می‌کنند.

۹- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تهیه طرح، ایجاد، توسعه، بازسازی و نوسازی واحدهای تعاونی و دستیابی به وسایل و کالاهای مورد نیاز و همچنین نظارت بر امور آنها

۱۰- صدور مجوز ثبت و تشکیل تعاونیها موضوع بند ۴ ماده ۵۱ قانون بخش تعاونی

۱۱- تأمین شرایط و فراهم آوردن امکانات برای سرمایه‌گذاری بخش تعاونی جهت ایجاد تعاونیها با اولویت تعاونیهای تولیدی

۱۲- تشکیل تعاونی در بخش کشاورزی

۱۳- اجرای مفاد بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی با هماهنگی حوزه ستادی وزارتخانه

۱۴- انجام تحقیقات آماری و اطلاعاتی و مطالعه درباره فعالیت تعاونیها در زمینه شناخت نارساییها و نیازهای آنها و همچنین تواناییها و امکانات به منظور استفاده در برنامه‌ریزی‌های مربوط

۱۵- صدور مجوز انحلال تعاونیهای موضوع تبصره ۲ ماده ۵۴ قانون بخش تعاون به استثنای تعاونیهای فرااستانی و اتحادیه‌های تعاونی سراسری

۱۶- انجام معاملات لازم و ارائه خدمات مورد نیاز تعاونیها

۱۷- تشکیل مجامع عمومی تعاونیهای موضوع تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی به استثنای شرکت‌های تعاونی فرااستانی و اتحادیه‌های تعاونی سراسری

۱۸- اعمال وظایف و اختیارات وزارت تعاون در مورد اتاق‌های تعاون با حوزه عمل استانی

۱۹- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تهیه طرح ایجاد، توسعه بازسازی، نوسازی واحدهای تعاونی و نظارت بر امور آنها

۲۰- سلب مزایا از تعاونیهایی که برخلاف قانون و مقررات بخش تعاونی عمل نموده و یا برخلاف اساسنامه مصوب اقداماتی کرده باشند. ●

که لیست تقسیم ذخیره بین اعضا و تخصیص آن به عنوان سرمایه به عنوان مستندات سند، ضمیمه آن شده و سهم هریک از اعضا نیز در دفتر معین سهامداران ثبت می‌گردد ولی نکته قابل ذکر آن است که این تقسیم ذخیره بین اعضا و انتقال آن به حساب سهامداران معمولاً تأثیر قابل توجهی در روند فعالیت شرکت به جای نخواهد گذاشت مگر در حالتی که هدف شرکت اخذ وام و افزایش سرمایه باشد که در آن صورت می‌توان با انتقال ذخیره قانونی به حساب سرمایه، بخشی از افزایش سرمایه مورد نیاز را تأمین نمود.

■ پرسش: حسابدار شرکت... مرقوم داشته‌اند که اخیراً بخشی از داراییهای ثابت شرکت به دلیل عدم نیاز با تصویب مجمع عمومی به فروش رسید و طبق راهنمایی‌های به عمل آمده در شماره‌های قبل ماهنامه تعاون در قبال بدهکار نمودن حساب بانک و ذخیره استهلاک، قیمت تمام شده دارایی و سود حاصل از فروش دارایی بستانکار گردید. و با توجه به اینکه برای فروش این دارایی شرکت ناگزیر از پرداخت هزینه‌هایی نظیر، هزینه دلالی و هزینه محضر و امثالهم نیز بود در سند مربوطه حساب هزینه فروش دارایی نیز در مقابل حساب صندوق بدهکار گردید ولی نتیجه حاصله تأثیری در میزان سود حاصل از فروش دارایی نداشت در حالی که عملاً به علت تحمل این هزینه‌ها سود واقعی ناشی از فروش دارایی کمتر از میزان ثبت شده در حسابها بود که در چگونگی اصلاح و ثبت هزینه فروش دارایی اشکالاتی مشاهده می‌گردد خواهشمند است در این خصوص راهنمایی لازم معمول گردد.

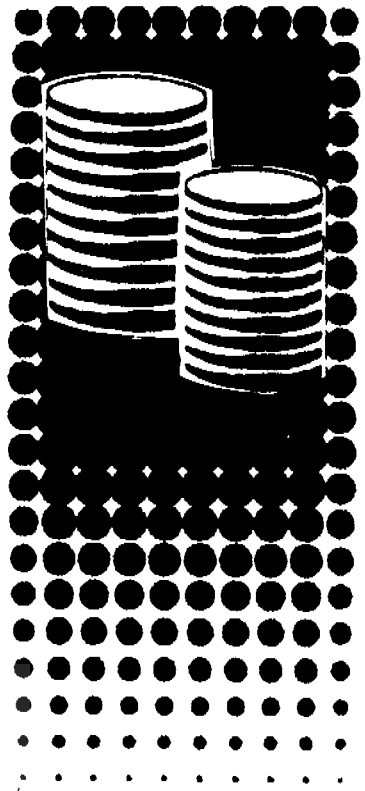
○ پاسخ: همانطور که مرقوم داشته‌اید انجام هزینه‌های مورد نظر عملاً، موجبات کاهش درآمد حاصل از فروش دارایی (تفاوت قیمت دفتری دارایی و بهای فروش آن) خواهد شد که می‌بایست این هزینه به طور مقتضی در حسابهای مربوطه تأثیر گذارد که این امر به دو شیوه قابل انجام خواهد بود که ذیلاً

○ پاسخ: همانطور که می‌دانید ذخیره احتیاطی، بخشی از سود سنوات می‌باشد که بجای تقسیم بین اعضا دینفع برای استفاده‌های آتی در حسابی به همین نام (ذخیره احتیاطی) نگهداری می‌شود که با تصویب مجمع عمومی می‌توان آن را به مصرف رساند. بنابراین در هنگام استفاده از این ذخیره حساب هزینه مربوطه ثبت نمی‌گردد و به جای آن حساب ذخیره احتیاطی بدهکار می‌شود. لذا ثبت مربوطه به صورت زیر در حسابها و دفاتر قابل انعکاس خواهد بود.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
ذخیره احتیاطی	x x x	
صندوق (بانک)		x x x
پرداخت هزینه	طبق مصوبه مجمع عمومی از محل ذخیره احتیاطی	

۲- همانگونه که مرقوم داشته‌اید انتقال ذخیره قانونی به حساب سرمایه با توجه به اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی صورت می‌پذیرد و طبیعتاً هنگام طرح موضوع در مجمع نحوه انتقال ذخیره به حساب سرمایه نیز می‌بایست مورد تصویب قرار گیرد که به طور معمول چون این ذخیره از محل سود حاصل گردیده و در صورت عدم محاسبه این ذخیره سود حاصله به نسبت سرمایه و مدت سرمایه‌گذاری بین اعضا تقسیم می‌گردد اصولاً تقسیم این ذخیره و امکان آن به حساب سرمایه نیز می‌بایست بر همین مبنا محاسبه و منظور گردد. مگر آنکه مجمع در این خصوص تصمیم دیگری را اتخاذ نموده باشد. علی‌الحال پس از تقسیم ذخیره بین اعضا و تعیین سهم هریک از آنان از این ذخیره که با توجه به مصوبات مجمع انجام می‌پذیرد سند مربوطه به شکل زیر قابل تنظیم می‌باشد.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
ذخیره قانونی	x x x	
سرمایه		x x x
انتقال به حساب سرمایه	ذخیره قانونی به حساب سرمایه	



پاسخ به سوالات مالی تعاونیها

○ معصومه گنجی

■ پرسش: آقای مصطفی خفاجه کارشناس حسابرسی از تربت حیدریه سوالات زیر را مطرح و خواستار راهنمایی بیشتر درخصوص آنها شده‌اند:

۱- با توجه به اینکه با تصویب مجمع عمومی می‌توان اندوخته احتیاطی را به مصرف رساند، ثبت مربوطه به برگشت اندوخته احتیاطی و نحوه هزینه آن را توضیح دهید.

۲- با تصویب مجمع عمومی می‌توان از ذخیره قانونی را جهت افزایش سرمایه منظور نمود، نحوه ثبت مربوطه و اینکه افزایش سرمایه ناشی از ذخیره قانونی به چه صورت به حساب اعضا منظور می‌گردد را توضیح دهید.

بستانکاران و اگذار نمود، در سررسید چک دارنده چک به بانک مراجعه نموده بود که به علت عدم تکافوی وجه نقد در بانک مبلغی را به حساب بانک واریز و چک خود را دریافت داشته‌اند. شرکت پس از اطلاع از وصول چک معادل کل مبلغ موجود در بانک، حساب بانک را بستانکار و اسناد پرداختی را بدهکار نموده است ولی پس از دریافت صورت حساب بانک و اعلامیه بانکی مشاهده گسردید که اقلام حساب بانک با صورت حساب بانکی مطابقت نمی‌نماید و پرسیده‌اند اولاً سند مربوطه چگونه می‌بایست تنظیم می‌شد. ثانیاً با توجه به ثبت دفاتر قانونی اصلاحات مربوطه به چه نحو می‌بایست صورت پذیرد.

■ **پاسخ:** آقای زراعت‌پور با توجه به اینکه کل مبلغ چک از حساب بانک دریافت شده، بدهی است که حساب اسناد پرداختی و بانک نیز می‌بایست معادل مبلغ چک در حسابها انعکاس یابد. زیرا با تحویل چک، به بانک عملاً اسناد پرداختی نزد بستانکار باقی نمانده است و با توجه به واریز بخشی از مبلغ چک توسط بستانکار به حساب بانک به منظور رعایت انشاء حقایق و تطابق حساب بانک شرکت با کارت بانک لازم بود مبلغ واریزی نیز در حسابها انعکاس می‌یافت که با توجه به توضیحات فوق سند قابل تنظیم و صحیح به شکل زیر خواهد بود.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
اسناد پرداختی	xxxx	
بانک		xxxx
بانک	xxx	
بستانکاران		xxx
وصول چک شماره... از حساب بانک		
واریز مبلغ... ریال به حساب بانک		
توسط آقای... جهت تأمین اعتبار		
مبلغ چک		

که در این سند مبلغ بدهکار بانک و بستانکار حساب بستانکاران معادل مبلغ واریز شده توسط بستانکار به حساب

سند ۳:

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
درآمد فروش	۷۰	
دارایی		
سود و زیان فروش	دارایی	۷۰
سود و زیان فروش	دارایی	۲۰
دارایی		
هزینه‌های فروش	دارایی	۲۰
بستن حساب درآمد و هزینه فروش		
دارایی و کل آن به حساب سود و زیان		
و فروش دارایی		

کاهش یافته و به میزان واقعی خواهد رسید.

در حالت دوم به جای استفاده از عنوان درآمد حاصل از فروش دارایی در سند اول و هزینه فروش داراییها در سند دوم مستقیماً از عنوان سود و زیان حاصل از فروش دارایی استفاده شده و سند را به صورت زیر تنظیم می‌نمائیم.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
ذخیره استهلاک	۳۰	
انباشته		
بانک	۱۴۰	
سود و زیان فروش	دارایی	۲۰
دارایی		
قیمت تمام شده دارایی	دارایی	۱۰۰
بانک	دارایی	۲۰
سود و زیان حاصل از فروش	دارایی	۷۰
دارایی		
فروش دارایی و پرداخت هزینه‌های		
مربوطه طبق ضوابط سند		

که با انتقال اقلام سود و زیان فروش دارایی به حساب مربوطه در دفترکل مانده حاصله به مبلغ ۵۰ ریال عملاً سود حاصل از فروش دارایی پس از کسر هزینه‌های انجام شده را نشان می‌دهد و بدهی است که ثبت هزینه‌های مربوطه در سند مجزا نیز امکان‌پذیر خواهد بود.

■ **پرسش:** آقای فرهاد زراعت‌پور حسابدار شرکت تعاونی... از شهرستان بیرجند مرقوم داشته‌اند که شرکت برای پرداخت بدهی خود چکی را به یکی از

به طور اختصار به آن خواهیم پرداخت. ۱. در حالت اول، سند اولیه همانطور که مرقوم داشته‌اید تنظیم می‌گردد که نتیجه آن درآمد حاصل از فروش دارایی خواهد بود (تفاوت ذخیره استهلاک و بهای فروش و قیمت تمام شده دارایی) پس از تنظیم این سند با انجام هزینه‌های مربوط به فروش، سند دوم جهت ثبت هزینه‌ها تنظیم و در دفاتر درج می‌گردد (هزینه‌های فروش دارایی بدهکار و صندوق بستانکار)

پس از تنظیم دو سند فوق هر دو حساب درآمد حاصل از فروش دارایی و هزینه فروش دارایی به حساب سود و زیان حاصل از فروش دارایی بسته شده که نتیجه آن سود یا زیان حاصل از فروش دارایی خواهد بود که نتیجه آن با مبلغ واقعی سود و یا زیان برابری خواهد نمود. همچنین مطلب فوق با مثال زیر تشریح می‌گردد.

چنانچه قیمت تمام شده دارایی ۱۰۰ ذخیره استهلاک انباشته ۳۰ و قیمت فروش دارایی ۱۴۰ و هزینه‌های فروش ۲۰ ریال فرض گردد اسناد مربوطه به صورت زیر تنظیم و قابل ثبت می‌باشد.

سند ۱:

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
ذخیره استهلاک	۳۰	
انباشته		
بانک	۱۴۰	
دارایی		
قیمت تمام شده دارایی	دارایی	۱۰۰
درآمد حاصل از فروش دارایی	دارایی	۷۰
فروش ...		

سند ۲:

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
هزینه‌های فروش	۲۰	
دارایی		
بانک	۲۰	
پرداخت هزینه‌های مربوطه به فروش		
دارایی...		

که با تنظیم سند ۳ درآمد حاصل از فروش دارایی به علت تحمل هزینه‌های مربوطه معادل هزینه‌های انجام شده

نیز می‌توانید از فرمول زیر استفاده نموده و سهم مازاد برگشتی هر عضو و مازاد برگشتی غیرعضو را طی لیست تهیه و مقدمات تنظیم سند حسابداری مربوطه را فراهم آورید.

$X = \frac{\text{سهم مازاد برگشتی از سود ویژه}}{\text{کل فروش طی سال}}$

که در فرمول فوق X سهم مازاد برگشتی در ازای یک ریال فروش می‌باشد.

مازاد برگشتی هر عضو = خرید هر عضو $X \times$
 مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیرعضو = خرید غیراعضا $X \times$

که با استفاده از فرمول فوق سهم مالیات هر عضو از مازاد برگشتی و سهم مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیرعضو مشخص می‌گردد که پس از تنظیم لیست مربوطه سند حسابداری به شرح زیر قابل تنظیم خواهد بود.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
مازاد برگشتی	$\times \times \times$	
حساب اعضا		$\times \times \times \times$
ذخیره مالیاتی		$\times \times \times \times$
کل مازاد برگشتی به حساب اعضا		
ذینفع و سهم مازاد برگشتی غیرعضو به حساب ذخیره مالیاتی طبق تصویب مجمع عمومی		

که حساب اعضا در سند فوق حساب جاری اعضا یا بستانکاری آنان است که به تدریج قابل پرداخت به آنان خواهد بود. و همچنین مالیات مطالبه شده توسط وزارت دارایی نیز از محل ذخیره فوق قابل تأمین خواهد بود. ضمناً انتقال سهم مازاد برگشتی هر عضو به حساب سرمایه نیز تنها در صورتی مجاز و منطقی خواهد بود که فرد مورد نظر با این امر موافقت نموده و مابه‌التفاوت ارزش اسمی یک سهم تا مازاد برگشتی متملقه را نقداً به حساب شرکت پرداخت و یا کتباً پرداخت آن را تمهید نماید. ●

بخشی از سود به عنوان مازاد برگشتی تصویب گردیده است که بر همین اساس در مجمع عمومی سال گذشته مقرر گردید مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیرعضو جهت تأمین مالیات مطالبه شده توسط وزارت دارایی تخصیص یابد ولی به علت عدم امکان محاسبه سهم مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیرعضو، انجام این امر تاکنون میسر نگردیده است و خواسته‌اند در این خصوص راهنمایی لازم به عمل آمده و چگونگی تنظیم سند حسابداری مربوطه توضیح داده شود، ضمناً اعلام شود که مازاد برگشتی هر عضو چگونه قابل محاسبه بوده و آیا این مازاد برگشتی قابل پرداخت به اعضا است و یا آنکه می‌بایست به حساب سرمایه آنان منتقل شود.



■ پاسخ: آقای انصافی همانطور که می‌دانید تقسیم مازاد برگشتی بین اعضا نیازمند محاسبه خرید هر عضو در طی سال مالی است که با توجه به تصویب این امر در اساسنامه لزوماً میزان خرید هر عضو در طی سال در شرکت نگهداری گردیده است که این امر قطعاً یا از طریق استفاده از سیستم کامپیوتری انجام پذیرفته و یا از طریق ثبت فاکتورهای خرید هر عضو در حساب جداگانه محاسبه گردیده است که جمع خرید اعضا نشانگر فروش به اعضا بوده که مابه‌التفاوت آن با کل فروش شرکت در طی سال میزان فروش به غیراعضا را نشان خواهد داد که به بدین ترتیب محاسبه میزان مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیراعضا امکان‌پذیر می‌گردد. برای محاسبه مازاد برگشتی هر عضو

بانک بابت تأمین کمبود وجه چک اسناد پرداختی می‌باشد که واریزکننده حق مطالبه آن از شرکت را دارد.

که با توجه به موارد مندرج در نامه ارسال شده سند مربوطه به شکل صحیح تنظیم نگردیده و ظاهراً سند موردنظر به شکل زیر تنظیم یافته است.

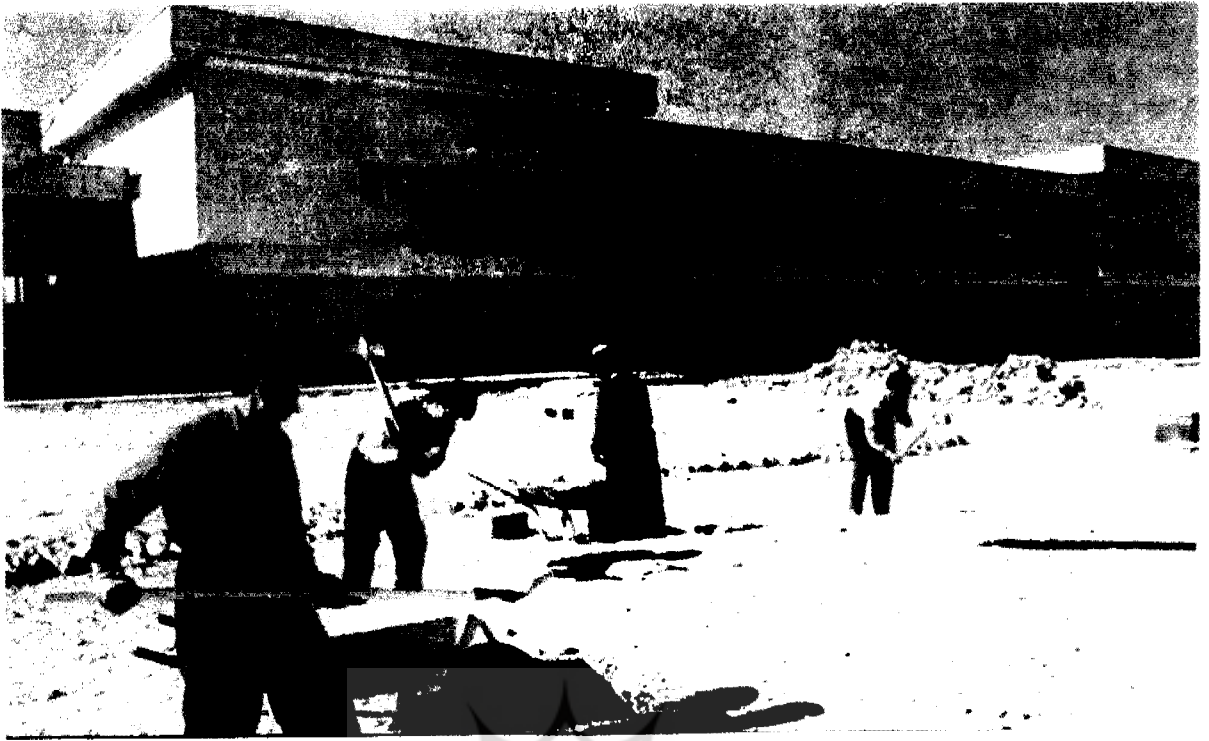
عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
اسناد پرداختی	$\times \times$	
بانک		$\times \times \times$
پرداخت چک شماره...		

که در این سند حساب اسناد پرداختی با مبلغ واقعی آن مغایرت دارد و به منظور اصلاح آن سند اصلاحیه به صورت زیر قابل تنظیم خواهد بود.

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
اسناد پرداختی	$\times \times \times$	
بانک		$\times \times \times$
بانک		$\times \times \times \times$
بستانکاران		$\times \times \times \times$
اصلاح حساب اسناد پرداختی بابت نسخه... چک شماره... و واریز مبلغ مربوط به حساب بانک توسط آقای...		

که در این سند کلیه اقلام معادل مبلغ واریزی توسط دارنده چک می‌باشد و با ثبت آن تمامی حسابهای مربوط اصلاح شده و حساب اسناد پرداختی مربوطه تسویه و در مقابل مبلغ واریزی و شخص واریزکننده معادل مبلغ واریزی بستانکار می‌گردد. شایان ذکر است که مجموع در رقم بستانکار بانک در سند اصلاحی و سند اولیه معادل مبلغ چک صادره به عنوان اسناد پرداختی خواهد بود که به هنگام کنترل حساب بانک و تهیه صورت مغایرت بانکی می‌بایست مورد توجه قرار داده شود.

■ پرسش: آقای جواد انصافی عضو هیأت مدیره شرکت تعاونی... اعلام نموده‌اند که طبق اساسنامه شرکت تقسیم



توصیه هایی برای تعاونیهای مسکن راهنمای طراحی ساختمان در چهار اقلیم ایران

دکتر تعاونیهای عمران و مسکن وزارت تعاون

در نظر گرفته نشده باشد، این نوع طراحی حتی مضر هم می باشد. بسیاری از تکنیک های طراحی اقلیمی مانند عایق بندی یا اینیبه زیرزمینی می تواند هزینه های سرمایش و گرمایش را تقلیل دهد. تهویه طبیعی زمانی که با سایر تکنیک های برودتی مورد استفاده قرار گیرد به راحتی می تواند در ماههای تابستان باعث فراهم آمدن شرایط آسایش شود. احتیاج به مخارج زیاد کولرگازی (جهت خنک کردن داخل بنا) اغلب به خاطر مکان غلط پنجره در بنا و یا عدم استفاده از سایه است که باعث تبدیل ساختمان به یک تنور داغ خورشیدی در تابستان می شود. حتی در ایامی که هوای بیرون دلپذیر است، بواسطه بی اطلاعی طراح از مسبانی و روش های طراحی اقلیمی، هوای داخل ساختمان می تواند ناراحت کننده باشد. به طور کلی در کلیه اقلیم های بسیار دشوار از لحاظ زیستی،

ازایسن رو بر دست اندرکاران صنعت ساختمان لازم است در این راه با عزمی راسخ ترگامهای بلندتری را بردارند. مقاله حاضر سعی دارد با توجه به شرایط جوی در انتخاب مصالح و نحوه بکارگیری آنها در ساختمان معیارهای مصرف انرژی و همخوانی آنها با محیط زیست بررسی کند:

یکی از مسائل مهم در مبحث ساختمان و محیط های مسکونی و معماری همساز با اقلیم، مسئله گرم کردن آنها در فصول سرد و سرد کردن آنها در دوره های گرم سال می باشد، لذا با ارائه تمهیدات خاص مربوط به شکل، ابعاد پنجره ها، جنس مصالح ساختمانی و شرایط اقلیمی می توان حداکثر صرفه جویی را برای گرمایش و سرمایش محیط های مسکونی به عمل آورد. باید توجه داشت طراحی ساختمان تنها بر اساس گرمایش در فصل زمستان ناقص است و اگر سایبانهایی برای تابستان

در پی انتشار مطالبی در زمینه مسکن و اقبال خوانندگان محترم از آن، در این شماره بر آن شدیم تا به مبحث مهم «بهره وری مطلوب از انرژی در ساختمان» بپردازیم تا انشاء... مد نظر تعاونیهای مسکن قرار گرفته و مفید فایده واقع گردد. مقاله زیر توسط آقای وحید قبادیان به دومین همایش بهینه سازی مصرف سوخت در ساختمان ارائه شده است. متأسفانه امور انتخاب مصالح و نحوه بکارگیری آنها در ساختمان با توجه به شرایط جوی، به نحوی که منجر به صرفه جویی و بهینه سازی مصرف انرژی گردد، به عنوان یک مبنا و معیار برای مهندسين معمار و طراحان بخش ساختمان مطرح نبوده است از این رو ارزش فوق العاده سوخت های فسیلی و حجم عظیم سرمایه ملی که در بازیابی این سوختها هزینه می گردد، نیاز به اصلاح ساختار مصرف و ارائه الگوهای مصرف بهینه انرژی را ضروری می سازد

طرح معماری

- ۱- بام شیبدار
 - جهت هدایت آب باران
 - از فضای زیر بام شیبدار می‌توان به عنوان گلخانه به منظور تأمین بخشی از حرارت ساختمان در زمستان استفاده نمود.
- ۲- ایوان سرتاسری در چهار طرف ساختمان
 - جلوگیری از خیس شدن بدنه ساختمان توسط باران
 - استفاده از ایوان به عنوان فضای مناسب زیستی در طی ماههای گرم سال
 - ایجاد سایه بر روی بدنه جنوبی، شرقی و غربی ساختمان در طی ماههای گرم سال
- ۳- طراحی ساختمان رو به باد مناسب تابستان
 - استفاده از کوران هوا در داخل بنا در طی ماههای گرم سال
 - ۴- قراردادن بازشوها در دو سمت طولی بنا
 - استفاده از کوران دوطرفه هوا در داخل بنا
- ۵- عرض کم ساختمان
 - حداکثر استفاده از آفتاب مایل زمستان از سمت جنوب ساختمان
 - کاهش ضخامت و اصطکاک هوا در داخل بنا جهت تسهیل کوران دوطرفه هوا در ساختمان
- ۶- قراردادن ساختمان بر روی پیلوت
 - جلوگیری از نفوذ رطوبت به کف ساختمان
 - استفاده از پیلوت به عنوان فضای زیستی در طی ماههای گرم سال
 - استفاده از پیلوت به عنوان گلخانه جهت تأمین بخشی از حرارت ساختمان در طی ماههای سرد سال
- ۷- عدم استفاده از زیرزمین جهت سکونت
 - امکان استفاده از کوران دوطرفه هوا در زیرزمین مشکل است.
 - هوای مرطوب و سنگین در فصل تابستان در زیرزمین مشکل ساز است.
- ۸- عایق‌بندی (حرارتی) پوسته خارجی ساختمان
 - جلوگیری از پرت انرژی

د- دشت‌های فلات - اقلیم گرم و خشک
در هر یک از این چهار اقلیم، با استفاده از عوامل اقلیمی اشاره شده در فوق می‌توان شرایط مناسب زیستی در داخل بنا را فراهم نمود.
در هر چهار اقلیم، آفتاب منبع اصلی تأمین حرارت در زمستان است. در هر چهار اقلیم، سمت اصلی ساختمان باید رو به آفتاب جنوب باشد.
الف - سواحل دریای خزر - اقلیم معتدل و مرطوب

در این اقلیم تمهیدات لازم جهت مقابله با بارندگی بسیار زیاد، رطوبت نسبی زیاد هوا (خصوصاً در فصول گرم) و رطوبت زمین باید در نظر گرفته شود.
- به دلیل وجود آب دریا و رطوبت زیاد هوا، نوسان درجه حرارت در طی شبانه‌روز در این منطقه نسبتاً اندک است. - جهت تسهیل کوران هوا و جلوگیری از راکد ماندن هوای مرطوب و سنگین، باید فضاهای شهری به صورت باز و گسترده طراحی شوند.
- در طی ماههای گرم سال، ایجاد سایه بر روی بدنه خارجی ساختمان و تسهیل کوران هوا در داخل ساختمان ضروری است.

همیشه روشهای مختلفی برای رسیدن به آسایش انسان و صرفه‌جویی در مصرف انرژی وجود دارد. مطلب مهم دیگر جهت درک ارزش معماری هر عصر و هر منطقه‌ای، دانستن چگونگی مطابقت ساختمان با اقلیم خاص آن منطقه است. چگونه ساختمان از آفتاب، نسیم و فضای سبز استفاده می‌برد و چگونه معمار، یک اقلیم آب و هوایی کوچک می‌آفریند. همه اینها دلیل و نشانه‌ای از مهارت و اشراف طراح است. طراحی اقلیمی روشی است برای کاهش همه جانبه هزینه انرژی یک ساختمان. طراحی ساختمان اولین «خط دفاعی» در مقابل عوامل اقلیمی خارج بناست. در تمامی آب و هواها، ساختمانهایی که بر طبق اصول طراحی اقلیمی ساخته شده‌اند، ضرورت گرمایش و سرمایش مکانیکی را به حداقل کاهش می‌دهند و در عوض از انرژی طبیعی موجود در اطراف ساختمان استفاده می‌کنند. مبالغی که در درازمدت صرفه‌جویی می‌گردد موجب می‌شود که اجرای تکنیکهای طراحی اقلیمی بهترین نوع سرمایه‌گذاری برای مالکین ساختمانها باشد. خیلی از آنها اصلاً هزینه‌ای ندارند و تنها مستلزم علم و آگاهی راجع به طراحی اقلیمی است.

راهنمای طراحی ساختمان در چهار

اقلیم ایران

در این مقاله روش‌های پیشنهادی جهت طراحی اقلیمی بهینه در چهار اقلیم متفاوت ایران مطرح خواهد شد. شرایط اقلیمی در هر منطقه بستگی به عوامل زیر دارد:

- ۱- عرض جغرافیایی
- ۲- دوری و نزدیکی به دریا
- ۳- ارتفاع از سطح دریا
- ۴- جهت وزش بادهای فصلی
- ۵- میزان بارندگی و رطوبت هوا
- کشور ایران را می‌توان به چهار منطقه عمده اقلیمی تقسیم نمود.
- الف: سواحل دریای خزر - اقلیم معتدل و مرطوب
- ب - نواحی کوهستانی و مرتفع - اقلیم سرد
- ج - سواحل خلیج فارس و دریای عمان
- اقلیم گرم و مرطوب

بسیاری از تکنیک‌های طراحی اقلیمی مانند عایق‌بندی یا اینسولاسیون، زیرزمینی می‌توانند هزینه‌های سرمایش و گرمایش را تقلیل دهد. تهویه طبیعی زمانی که با سایر تکنیک‌های برودتی مورد استفاده قرار گیرد به راحتی می‌تواند در ماههای تابستان باعث فراهم آمدن شرایط آسایش شود.

نواحی کومستان و مرتفع - اقلیم سرد

- در این اقلیم، سرمای بسیار زیاد هوا و بادهای سرد زمستان از جمله مشکلات مهمی است که باید طراحی با توجه به آن صورت گیرد.

- به دلیل فشار کم هوا و رطوبت اندک آن، نوسان درجه حرارت در طی شبانه‌روز در این منطقه بیش از سایر مناطق است.

- جهت جلوگیری از پرت حرارتی ساختمان‌ها در زمستان، بافت شهری باید به صورت متراکم طراحی شود.

- جهت اصلی شهر و گسترش آن باید حتی‌الامکان رو به آفتاب جنوب و به موازات خط تراز زمین صورت گیرد.

- از نفوذ باد سرد زمستان به فضاهای شهری و معابر اصلی باید جلوگیری شود.

طرح معماری

۱- شفاف نمودن سطح جنوبی ساختمان - استفاده از دید و منظر سمت جنوب - اجازه نفوذ آفتاب مایل زمستان به داخل بنا

۲- استفاده از پنجره آفتابی^{*}، گلخانه و دیوار حرارتی بر روی سطح جنوبی ساختمان

- تأمین بخشی از حرارت ساختمان توسط خورشید

۳- حفاظت ساختمان در مقابل باد سرد زمستان

- جلوگیری از نفوذ سرما به داخل بنا

۴- قراردادن بخشی از سطوح شمالی، شرقی و غربی ساختمان در دل زمین

- زمین به عنوان عایق حرارتی و جرم حرارتی، باعث کاهش پرت حرارتی و نوسان بیش از حد حرارت در ساختمان می‌گردد.

۵- استفاده از جرم حرارتی (مصالح بنایی، انباره سنگی و یا آب در داخل بنا - حرارت روز هنگام برای شب ذخیره می‌شود.

- نوسان درجه حرارت در طی شبانه‌روز در داخل بنا کاهش می‌یابد.

۶- عایق بندی (حرارتی) پوسته خارجی، بالاصح با مصالح

- با مصالح ساختمانی بیشترین پرت حرارتی را در شب‌های زمستان دارد.

۷- استفاده از شیشه‌های دو جداره، پرده‌های ضخیم و یا عایق متحرک برای پنجره‌ها

- سطوح شیشه‌ای، ضعیف‌ترین قسمت پوسته خارجی ساختمان در مقابل تبادل حرارتی می‌باشند.

- عایق شب بر روی سطوح شیشه‌ای: باعث کاهش پرت حرارتی در شب هنگام می‌شوند.

۸- در نظر گرفتن ارتفاع نسبتاً کم برای اتاق‌ها

- کاهش سطح پوسته خارجی ساختمان.

- فضای کوچکتر، سریعتر و با نیاز حرارتی کمتری گرم می‌شود.

ج - سواحل خلیج فارس و دریای عمان - اقلیم گرم و مرطوب

- در این اقلیم، تمهیدات لازم جهت مقابله با گرما و رطوبت بسیار زیاد هوا (در بیش از نیمی از ماه‌های سال) باید صورت گیرد.

- به دلیل وجود آب دریا و رطوبت زیاد هوا، نوسان درجه حرارت در طی شبانه‌روز در این منطقه نسبتاً اندک است.

- گسترش شهر به موازات ساحل دریا باشد.

- از جریان باد بین ساحل و دریا باید حداکثر استفاده در معابر و فضاهای شهری صورت گیرد.

- بافت شهری باید به صورت نیمه گسترده باشد، تا در عین تسهیل جریان هوا در آنها، سایه دیوارهای مجاور جلوی تابش بیش از حد آفتاب به داخل

فضاها و معابر شهری را مسدود کند. - کاشتن درخت نخل در محوطه از نظر اقلیمی بسیار مناسب است، زیرا علاوه بر ایجاد سایه و برودت تبخیری، کوران هوا

از زیر چتر برگ‌های درخت به راحتی صورت می‌گیرد.

طرح معماری

۱- طراحی جهت اصلی ساختمان رو به دریا و یا باد مطلوب تابستان

- حداکثر استفاده از کوران هوا بین دریا و خشکی

۲- عرض کم ساختمان - تسهیل کوران دو طرفه هوا در داخل بنا

۳- تعبیه بازشوها بر روی دو قسمت طولی ساختمان

- استفاده از کوران دو طرفه هوا در داخل بنا

۴- ایجاد سایه بر روی سه ضلع شرقی، جنوبی و غربی ساختمان، توسط گیاهان.

سایه‌بان‌ها و ایوان‌های سرتاسری - جلوگیری از گرم شدن بدنه ساختمان

۵- استفاده از بوگیر و یا تهویه عمودی (اثر دودکش) در ساختمان

- درب خربشته رو به باد مطلوب تابستان باز شود

- اگر چشم پله و یا فاصله بین سنگ پله‌ها به اندازه کافی باز باشد، بدنه راه

پله می‌تواند عملکرد انتقال عمودی هوا را داشته باشد.

۶- قراردادن ساختمان بر روی پیلوت - استفاده از پیلوت به عنوان فضای

زیستی در طی ماه‌های گرم سال

۷- عدم استفاده از زیرزمین جهت سکونت

- هوای مرطوب و سنگین در فصل تابستان در زیرزمین مشکل ساز است

- امکان استفاده از کوران دو طرفه هوادر زیر زمین مشکل است

۸- عایق بندی (حرارتی) پوسته خارجی، بالاصح با مصالح ساختمانی

- عایق بندی پوسته خارجی بنا، مانع انتقال حرارت خارج به داخل بنا می‌شود

- تابش عمودی آفتاب در طی ماه‌های گرم سال بر روی بام، باعث انتقال حرارت به داخل بنا می‌شود. لذا ضخامت عایق در بام باید بیش از سایر قسمت‌ها باشد.

د: فلات مرکزی - اقلیم گرم و خشک

- در این اقلیم، زمستان بسیار سرد و تابستان بسیار گرم است، لذا ساختمان باید جهت مقابله با هر دو معضل طراحی شود.

- ورزش باد نامطلوب و پرگرد و غبار از سمت کویر و یا مناطق خشک، دیگر

معضل اقلیمی در این منطقه است.

- بافت شهری به صورت متراکم و فضاها و معابر شهری محصور طراحی

گردد تا جلوی پرت حرارتی در زمستان و باد پرگرد و غبار گرفته شود.

- نوسان درجه حرارت در طی شبانه روز در این منطقه زیاد است، اگر چه

بقیه از صفحه ۵۷

۱- تعریف مسأله و شناسایی هدف
تصمیم‌گیری. تعریف مسأله: شناسایی
طرحی که ثروت سهامداران عادی را
حداکثر نماید.

۲- شناسایی راهکارهای مختلفی که
موجود هستند. سه راهکار که قبلاً
تعریف شده‌اند، در دسترس می‌باشند.

۳- استقرار معیاری برای ارزیابی
راهکارهای مختلف، برای این کار
مفروضاتی به شرح زیر ساخته می‌شوند:
الف - برای شرکت فقط سه طرح
موجود است.

ب - طرح‌ها دارای سطوح ریسک
یکسان می‌باشند.

پ - طرحی که ثروت سهامداران عادی
را به حداکثر می‌رساند، شناسایی شود.

مدل آن براساس روابط ریاضی به شرح
زیر می‌باشد:

ارزش فعلی ثروت سهامداران عادی
شرکت = قیمت جاری سهام عادی \times تعداد

سهام عادی شرکت
بی‌نوشت‌ها:

1-Financial Management

2- Model

3-Iconic model

4-Analog Model

5-Mathematical Model

6- Break- Even Analysis

7-Net Present Value

8-Profitability Index

9-Internal Rat of Return

10-Controllable Variables

11- Uncontrollable Variables

12-Intermediate Variables

13-Result Variables

14-Net Fixed Assets

15-Fixed Assets

16-Depreciation

17-Current Assets

18-Stoks

19-Debtors

20-Cash

21-Total Assets

Source: George P. Diacogiannis,
Financial Management: A Modelling
Approach Using Spreadsheets, MC
Graw-Hill, Second, 1994, PP. 1-10. ●

خصوصاً بام ساختمان

- بام ساختمان در طی روز تابستان
حرارت زیادی از تابش عمودی آفتاب
کسب می‌کند

- بام ساختمان در طی شب زمستان
حرارت زیادی به آسمان سرد بازتابش
می‌کند

توجه: طراحی صحیح محوطه،
می‌تواند در تنظیم شرایط محیطی داخل
ساختمان مؤثر باشد: ۱- سایه اندازی بر
روی ساختمان و محوطه اطراف آن
از طریق استفاده از درختان برگ پهن
و سایه‌بان در طی ماههای گرم سال.

۲- جلوگیری از باد سرد زمستان و باد
نامناسب تابستان از طریق استفاده از
گیاهان سوزنی برگ، عوارض زمین
ساختمان‌های مجاور و بادشکن.

۳- ایجاد برودت تبخیری از طریق
گیاهان، حوض آب، فواره و آب پاشی
محوطه در طی ماههای گرم سال.

۴- کاهش و یا افزایش بازتابش آفتاب
از محوطه به داخل ساختمان با استفاده از
مصالح مناسب جهت پوشش سطوح
مختلف در محوطه.

۵- ایجاد گودال باغچه در سمت جنوب
ساختمان جهت افزایش سطح آفتابگیر
بنا.

۶- استفاده از عوارض زمین و جرم
حرارتی خاک، جهت پوشش سطوح سرد
ساختمان، خصوصاً در سمت شمال بنا.
* پنجره آفتابی دارای سه خصوصیت
است:

۱- رو به جنوب می‌باشد.

۲- دارای سایه‌بان با عمق مناسب بر
بالای پنجره است به نحوی که سایبان مانع
تابش عمودی آفتاب در تابستان می‌شود،
ولی آفتاب مایل زمستان به داخل بنا تابش
می‌کند.

۳- دارای جرم حرارتی (مانند مصالح
بنایی در کف اتاق) در پشت پنجره در
داخل اتاق می‌باشد، به صورتی که آفتاب
زمستان مستقیماً بر روی جرم حرارتی
تابش می‌کند. ●

میزان آن نسبت به نواحی مرتفع کمتر
است.

طرح معماری

۱- شفاف نمودن سطح جنوبی
ساختمان

- اجازه نفوذ آفتاب مایل زمستان به
داخل بنا

۲- طراحی ساختمان رو به باد مناسب
تابستان

۳- جلوگیری از نفوذ باد سرد زمستان و
باد برگرد و غبار تابستان

- شبیدار نمودن سطح خارجی بنا
استفاده از عایق حرارتی و یا قراردادن
فضاهای خدمتانی مانند انبار و گاراژ در
سمت وزش باد، می‌تواند مانع نفوذ باد به
داخل فضای زیستی شود.

۴- استفاده از پنجره آفتابی - گلخانه و
دیوار حرارتی در قسمت جنوبی ساختمان

- تأمین بخشی از حرارت ساختمان
توسط خورشید

۵- استفاده از زیرزمین، بادگیر، گودال
باغچه و راه‌پله

- زیرزمین جهت استفاده از شرایط
متعادل داخل زمین در طی فصول سرد و
گرم سال

- بادگیر جهت استفاده از باد مناسب و
کوران دو طرفه هوا در تابستان مناسب
است

- گودال باغچه در سمت جنوب
ساختمان، باعث افزایش سطح آفتابگیر
بنا می‌شود

- خریشته و بدنه راه‌پله می‌تواند
عملکرد بادگیر و یا هواکش را انجام دهد
۶- استفاده از جرم حرارتی (مصالح
بنایی، انبار سنگی و یا آب) در داخل بنا
- ذخیره نمودن حرارت روز هنگام
برای شب

- تعدیل نوسان درجه حرارت در طی
شبانه روز

۷- قراردادن بخشی از سطوح شمالی،
شرقی و غربی در دل زمین

- کاهش پرت حرارتی ساختمان از این
سه قسمت

- تعدیل نوسان درجه حرارت در طی
شبانه‌روز در داخل بنا

۸- عایق‌بندی پوسته خارج بنا،